

ترویج و آموزش اشتغال خانگی زنان روستایی به عنوان راهکاری جهت توانمند سازی آنها و دستیابی به اهداف توسعه پایدار در ایران

فرهود گل محمدی^۱، مهدی کرباسچی^۲

^۱ - استاد یار و دکترای رشته ترویج و آموزش کشاورزی و عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و عضو بسیج اساتید خراسان جنوبی و همکار دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی استان خراسان جنوبی (مسئول مکاتبات)

^۲ - کارشناس جنگل و مرتع اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان جنوبی و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

farhoodgol@yahoo.com

چکیده

یکی از محورهای اساسی برنامه های آموزشی و ترویجی در سالیان اخیر، توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی به عنوان یکی از راهکارها و محورهای اساسی در توانمند سازی زنان روستایی می باشند. که در ارائه این برنامه ها، آموزشگران نقش فوق العاده ای دارند. نظر سنتی از زنان روستایی در زمینه عملکرد توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی، مسائل و مشکلات و نارسایی های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و ... موفقیت زیاد برنامه های آموزشگران ترویج را در توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی نشان می دهد. در این راستا در این مقاله به بررسی مبانی تئوری و تجارب چند ساله تدریس و تحقیق مباحث مربوط به زنان روستایی و اشتغال و توانمندسازی و کارآفرینی آنها توسط محقق در سازمان های ذیربط و بویژه در برنامه های آموزشی و ترویجی و کمیته امداد امام(ره) در اشتغال خانگی زنان روستایی جهت ایجاد درآمد و اشتغال و توانمندسازی آنها و دستیابی به اهداف توسعه پایدار در ایران می پردازد.

واژه های کلیدی: اشتغال خانگی، زنان روستایی، آموزش و ترویج، راهکار، توانمند سازی، توسعه پایدار.

^۱ - استاد یار و دکترای رشته ترویج و آموزش کشاورزی و عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و عضو بسیج اساتید استان خراسان جنوبی

^۲ - کارشناس جنگل و مرتع اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان جنوبی و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

یکی از دغدغه های اصلی کشور حل معضل بیکاری است. دلایل ساختاری از جمله افزایش قهری عرضه نیروی کار، کمبود فاحش سرمایه گذاری، مهاجرت ناگزیر روستاییان به شهرها، گسترش موجه نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، افزایش روزافزون فارغ التحصیلان دانشگاهها، جوانی جمعیت و ... بازار کار کشور را با عدم توازن مواجه نموده است. امروزه در برنامه های بین المللی و ملی توسعه؛ جایگاه ویژه ای به نیمی از پیکر جامعه یعنی زنان داده شده است. در توسعه روستایی نیز زنان روستایی به عنوان قشری تعیین کننده در تولیدات کشاورزی و مدیریت امور خانوار و منزل و همین طور مشارکت در فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... جای خاصی را دارند. دغدغه اشتغال و بیکاری از جمله مسائل و مشکل مهم و اساسی جهان است این مشکل در کشورهای در حال توسعه به علت عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از موضوعیت بیشتری برخوردار است. به نحوی که در برخی از کشورها نظیر کشور ما برنامه ها و سندهای توسعه را مبتنی بر رفع مشکل بیکاری و موضوع اشتغال تنظیم می نمایند (گل محمدی، ۱۳۹۰).

برنامه ای موجب اشتغال پایدار می گردد که اشتغال و رشد اقتصادی به همراه عدالت اجتماعی با هم در آن پیش بینی و تنظیم شده باشد. برخی اشتغال را ثمره و نتیجه سرمایه گذاری می دانند و به آن به عنوان هدف و مقوله ای مستقل نگاه نمی کنند ولی در کشورهای در حال توسعه و نیز در مواقع بحرانی اشتغال خود موضوعیت پیدا کرده و تبدیل به هدف اصلی می شود.

بدین جهت اشتغال از ویژگی دو وجهی برخوردار است. وجه اول آن به ویژگی اقتصادی آن برمی گردد (به دلیل اینکه باعث تولید خدمات و کالا و در نتیجه درآمد می شود) و وجه دیگر، ویژگی اجتماعی آن است (از بروز بیکاری و سایر معضلات اجتماعی ناشی از آن جلوگیری می نماید). این دو وجهی بودن ویژگی باعث گردیده متولی خاصی نداشته باشد (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

ممل در حال توسعه و توسعه نیافته سرمایه گذاری در آموزش را اساسی ترین راه حل برای دستیابی به توسعه می دانند. در این میان زنان روستایی به عنوان یکی از محرومترین اقشار جامعه، که نقش اساسی در تولیدات کشاورزی و مدیریت امور منزل و سرپرستی و تربیت فرزندان و نسل آینده کشاورزان و روستاییان را دارند دارای نیازهای آموزشی و یادگیری متنوعی می باشند که در صورت شناسایی دقیق این نیازهای آموزشی مختص آنان، می توان آموزشهای مورد نیاز زنان روستایی را با کارایی و اثر بخشی بسیار بیشتر در آینده طراحی نمود (گل محمدی، ۱۳۹۰).

مطابق قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، مشاغل خانگی شامل آن دسته از فعالیت هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحد های مسکونی همجوار شکل می گیرد و منجر به تولید و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می گردد. بر اساس مصوبات ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، رشته های مشاغل خانگی در حوزه های صنایع دستی، فرش، کشاورزی، دامپروری، شیلات، خدمات، تولیدی و صنعت و فناوری اطلاعات (IT) می باشد (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

امروزه کسب و کارهای خانگی به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان محسوب می گردند. قابلیت انجام این نوع کسب و کار در «منزل» سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلین آن ها می شود، که از جمله می توان به ایجاد توازن بین مسئولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان، حذف هزینه های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه و

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

ایاب و ذهاب، استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه های کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوه استاد- شاگردی بین اعضاء خانواده و... اشاره نمود (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

باید توجه داشت که در سالیان اخیر به دلیل تحولات عظیم در بخش فناوری اطلاعات در جهان و ایجاد مشاغل جدید، امکان اشتغال خانگی برای بسیاری از افراد در زمینه های (IT) نیز فراهم گردیده است. این مشاغل که روزانه در سراسر جهان تعداد آن ها رو به فزونی و تنوع می باشد این امکان را فراهم می آورد تا افراد بتوانند در محیط خانه با استفاده از رایانه و وسایل جانبی مورد نیاز، به انجام کسب و کارهای گوناگون در این حوزه بپردازند.

مشارکت اقتصادی زنان که نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند، در ایران کمتر از ۱۳ درصد است. این رقم حاکی از آن است که زنان نقش عمده ای در بازار کار کشور ندارند و یا اگر دارند آمار و ارقام رسمی کشوری هنوز نتوانسته است آن را به صورت واقعی منعکس نمایند (گل محمدی، ۱۳۹۰).

براساس تحقیقاتی که توسط سازمان دیده بان جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۰۲ میلادی با در نظر گرفتن ۳۷ کشور جهان صورت گرفته، توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش نرخ بیکاری به طور معناداری می شود. به طور متوسط سهم کسب و کارهای خانگی در بین کسب و کارها ۳۰ درصد است (وزارت کار و اموراجتماعی و معاونت پژوهشی مرکز پژوهش و اسناد، ۱۳۸۷).

از جمله مشاغل کوچک و متوسط، مشاغل خانگی است که هزینه بالایی را به خانواده ها تحمیل نمی کند و در عین حال می تواند سبب افزایش درآمد و در نهایت تولید ثروت در کشور شود. تجربه بسیاری از کشورها نشان می دهد مشاغل خانگی راهکاری مناسب برای کاهش نرخ بیکاری و فراهم ساختن زمینه اشتغال زنان، محسوب می شود (وزارت کار و اموراجتماعی و معاونت پژوهشی مرکز پژوهش و اسناد، ۱۳۸۷).

ضرورت توسعه کسب و کارهای خانگی از جمله راهکارهای مناسب برای توسعه اشتغال های خرد و متوسط به ویژه برای جمعیت وسیعی از زنان که دارای مهارت کافی در انجام برخی از کارها هستند اما به دلیل بازار نامناسب اشتغال نمی توانند جذب بازار شوند، است (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

فعالیت اقتصادی در محیط خانگی و یا محل هایی در مجاورت محل زندگی، امکان مشارکت اعضای خانوار برای انجام یک فعالیت اقتصادی مشترک، جلوگیری از رفت و آمدهای شهری و در نهایت صرفه جویی هزینه های اجتماعی و در کنار خانواده بودن یکی از اعضای سرپرست خانوار از جمله مزایای مشاغل خانگی است.

استفاده از مواد اولیه طبیعی که به طور عام در کشور تولید می شود، مهارت مبتنی بر آموزش نظام "استاد شاگردی" که فرد از والدین و نزدیکان کسب کرده و استفاده از فناوری های ساده که تهیه آن هزینه بالایی برای صاحب کار در بر ندارد از دیگر مزایای مشاغل خانگی است (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹) و (گل محمدی، ۱۳۹۰).

مشاغل خانگی با سرمایه اندکی قابل حصول و بیشتر مهارت فرد در انجام آن موثر است. تولیدات مشاغل خانگی به طور عام می تواند در کشور به فروش رود و در صورتی که کمک های دولت در حمایت از این نوع مشاغل تامین گردد به طور یقین می توان این تولیدات را به بازارهای خارجی نیز صادر کرد.

یکی دیگر از مزایای مشاغل خانگی انعطاف پذیری این نوع کارها است به طوری که فرد با هزینه بسیار اندکی می تواند در جهت تغییر و بهبود کار گام بردارد.

از دیگر مزایای مشاغل یادشده، توسعه فرهنگ کار در خانواده است زیرا در عین حالی که فرزندان از حضور مادر در خانواده احساس امنیت می کنند به اهمیت کسب و کار از نزدیک عادت و خو می گیرند (گل محمدی، ۱۳۹۰) و (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

کسب و کارهای خانگی نیاز به ساز و کارهایی دارد که بدون در نظر گرفتن آنها، انجام کار با دشواری همراه می شود. مهمترین این موارد عبارتند از مثلا باید درباره محصول یا خدماتی که می خواهند تولید کنند و یا ارائه دهند اطلاعات مبسوط بدست آورند، تعیین محل کار، جلب مشارکت دیگر اعضای خانواده، تعیین اسم مناسب برای کسب و کار و تهیه تجهیزات مناسب از جمله ویژگی های مورد نیاز در کسب و کار است (گل محمدی، ۱۳۹۰) و (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹). شکی نیست افرادی که به مشاغل خانگی روی می آورند پس از مدتی خود با نیازهایی نظیر تبلیغات، ارتباط گسترده تر با افرادی که در همان صنف فعالیت می کنند و ضرورت سیستم حسابداری در کار پی خواهند برد.

یکی از کسب و کارهای خانگی، کسب و کار اینترنتی است که مشاغل متعددی را در بر دارد؛ کسب و کار با اینترنت به مجموعه فعالیت های مربوط به مباحث بازاریابی، مالی، خرید و فروش، ارتباط با مشتریان، خدمات پس از فروش، همکاری با سرمایه گذاران و ارائه تمام کارهای خدماتی از طریق شبکه اینترنت اطلاق می شود. این نوع کسب و کار جدید با افزایش رایانه و اینترنت در خانه ها شکل گرفته است. ایجاد تجمع های آنلاین، خرید، فروش و حراج کالاهای مختلف، تبلیغات اینترنتی، ارائه خدمات تخصصی به دیگران، ارائه خدمات آموزشی، تهیه و ارائه نرم افزارهای مختلف، پیوستن به شبکه های واسطه گری و خدمات مربوط به ایمیل از مهمترین کارهایی است که از طریق اینترنت می توان انجام داد (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹).

امروزه در برنامه های بین المللی و ملی توسعه؛ جایگاه ویژه ای به نیمی از پیکر جامعه یعنی زنان داده شده است. در توسعه روستایی نیز زنان روستایی به عنوان قشری تعیین کننده در تولیدات کشاورزی و مدیریت امور خانوار و منزل و همین طور مشارکت در فعالیت های اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و ... جای خاصی را دارند. در این راستا فعالیت های آموزشی به عنوان راه حلی اساسی در بهبود مهارت ها و وضعیت معاش و جایگاه مشارکت زنان روستایی در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... محسوب می گردند (گل محمدی، ۱۳۹۰).

۲- تشخیص و تبیین مسئله

ایجاد فرصتهای جدید شغلی مستلزم راه اندازی و توسعه فعالیت های تولیدی و خدماتی است و افزایش تولید نیز در گرو استفاده بیشتر از عوامل تولید از جمله سرمایه است. از این رو، هر گونه برنامه ریزی و سیاست گذاری مبتنی بر اشتغال زایی باید با شناخت دقیق مشکلات و موانع تولید و سرمایه گذاری صورت پذیرد (وزارت کار و امور اجتماعی و معاونت پژوهشی مرکز پژوهش و اسناد، ۱۳۸۷).

برای ایجاد اشتغال باید محیط کسب و کار فراهم گردد. محیط کسب و کار در کشورهای مختلف بر حسب مقیاس فعالیتها و شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها می تواند متفاوت باشد. کسب و کار در هر شکلی تابعی از سرمایه، نیروی انسانی و بازار کالا و خدمات و قوانین حاکم بر آنها میباشد.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

کسب و کار خانگی به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در همه کشورها وجود دارد آنچه که در کشورها در زمینه مشاغل خانگی تفاوت دارد ترکیب، مقیاس و اندازه آنها است. انجام این نوع کسب و کار در منزل سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلین آنها می شود (مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰). طبق ماده ۲ قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی: مشاغل خانگی آن دسته از فعالیتهایی است که با عضویت اعضای خانواده در فضای مسکونی و در قالب یک طرح کسب و کار مجاز بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می گیرد و به تولید خدمت و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی منجر می گردد.

زمینه های کسب و کار خانگی را به طور کلی در سه گروه کلی تقسیم بندی می کنند:

الف) کسب و کار با نیازهای ایزاری

ب) کسب و کار با گرایش انسانی (آموزشی و مشاوره)

ج) کسب و کار با گرایش فن آوری و اطلاعات

بیشترین زمینه های کسب و کار در مشاغل خانگی از نوع الف بوده که خود به دو بخش صنایع دستی و تولیدی تقسیم می شوند (مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰).

در بخش صنایع دستی مشاغل خانگی به انواع نخعی و ابریشمی، فلزی، چوبی و حصیری، چرمی، سازهای سنتی، دریایی، سفال و سرامیک، سنگی و سایر دسته بندی شده اند و در زمینه تولیدی نیز در بخشهای کشاورزی، صنعتی و خدمات فعالیت دارند.

فوائد و مزایای مشاغل خانگی:

- ایجاد توازن بین مسئولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان
 - حذف هزینه های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه، ایاب و ذهاب
 - بکارگیری و استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه های کار خانوادگی
 - امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیر رسمی به شیوه استاد شاگردی بین اعضای خانواده
 - کاهش هزینه های سربار
 - تغییر، تنوع، سرعت و انعطاف پذیری در فعالیت (مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰).
- به دلیل تحولات عظیم در بخش فن آوری اطلاعات درجهان و ایجاد مشاغل جدید امکان اشتغال خانگی برای بسیاری از افراد فراهم گردیده و تعداد آنها رو به فزونی و تنوع می باشد.

محدودیتها و اشکالات موجود در مشاغل خانگی:

- ۱- عدم دسترسی مطلوب به بازار عرضه کالا و خدمات (برای دریافت و ثبت سفارشات و عرضه محصولات).
- ۲- عدم توانایی تأمین مواد اولیه مطلوب و ارزان به دلیل کوچک بودن مقیاس.
- ۳- ضعف بنیه مالی و محدودیت در تأمین منابع مالی و تهیه و ارائه وثایق مورد نیاز.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- ۴- محدودیتهای مربوط به تأمین آب، برق و دفع پساب و ...
- ۵- عدم امکان تدارک حقوقی فعالیت.
- ۶- نداشتن واحدهای R&D (مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰).
- با توجه به محوریت‌های برشمرده شده و جهت رفع مشکلات عنوان شده، دارندگان مشاغل خانگی نه تنها نیاز به تشکل و ساماندهی دارند بلکه بدون ساماندهی و تشکل، در غالب موارد فعالیت آنها غیر ممکن است.
- توجه به نقش کلیدی زنان روستایی در جریان فعالیت‌های کشاورزی و مدیریت امور خانواده و تربیت نسل آینده کشاورزان و روستاییان و شهروندان جامعه دیر بازی است که از سوی نهاد های بین المللی-همچون سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، بانک جهانی و ... و همین طور نهاد های ملی و منطقه ای توسعه مورد تاکید قرار گرفته است و با گذشت زمان، این رویکرد و توجه به رفع موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و .. مشارکت کامل زنان در فعالیت های توسعه روستایی و کشاورزی قوت و اهمیت بیشتری پیدامی کند.
- در کشور ایران، در برنامه های آموزشی برای زنان روستایی در اغلب مواقع تنها به کمیت کلاس ها و برگزاری صرف دوره های آموزشی تاکید شده است و توجهی به شرکت تمام زنان واجد شرایط و نیازمند به این دوره های آموزشی نشده است. در بسیاری از مواقع دیده شده است که به صرف مذكر بودن آموزشگران، بسیاری از زنان و دختران روستایی از شرکت در این دوره های آموزشی محروم و منع شده اند. شناسایی این موانع و پیدا کردن راه حل های مناسب برای کمرنگ کردن و حذف این موانع می تواند در افزایش سطح آموزش زنان روستایی و در نهایت بهبود وضعیت معیشتی، رفاهی، بهداشتی، آموزشی و ... خانوار های روستایی نقش بسزایی داشته باشند (گل محمدی، ۱۳۹۰).

یکی از محورهای اساسی برنامه های آموزشی - ترویجی در سالیان اخیر، توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی به عنوان یکی از راهکارها و محورهای اساسی در توانمند سازی زنان روستایی می باشند. که در ارائه این برنامه ها، آموزشگران نقش فوق العاده ای دارند. نظر سنجی از زنان روستایی در زمینه عملکرد توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی، مسائل و مشکلات و نارسایی های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و ... برنامه های آموزشگران را در توسعه اشتغال و مشاغل خانگی زنان روستایی نشان می دهد (گل محمدی، ۱۳۹۰).

۳- سوالات تحقیق

پرسش اصلی تحقیق عبارت است از:

طرحهای آموزشی - ترویجی توسعه اشتغال خانگی زنان روستایی چه نقشی را در توانمند سازی آنها داشته است؟

در این راستا سوالات محوری تحقیق عبارتند از:

- ۱- نقاط عمده قوت طرحهای آموزشی - ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی برای زنان روستایی چه می باشند؟
- ۲- نقاط عمده ضعف طرحهای آموزشی - ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی برای زنان روستایی چه می باشند؟
- ۳- جهت بهبود طرحهای آموزشی - ترویجی توسعه اشتغال خانگی زنان روستایی، در آینده چه اقداماتی می بایست صورت پذیرند؟

۴- میزان مشارکت و گنجاندن نظرات، دیدگاهها و نیازهای زنان روستایی در طرحهای آموزشی- ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی به چه میزان می باشند؟

۴- اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق:

بررسی میزان موفقیت و نقاط عمده قوت و ضعف طرحهای آموزشی- ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی برای زنان روستایی می باشد.

اهداف اختصاصی تحقیق:

- ۱- شناسایی نقاط عمده قوت طرحهای آموزشی- ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی برای زنان روستایی.
- ۲- شناسایی نقاط عمده ضعف طرحهای آموزشی- ترویجی اجرا شده توسعه اشتغال خانگی برای زنان روستایی.
- ۳- شناسایی حیطه ها و دامنه های طرحهای آموزشی- ترویجی توسعه اشتغال خانگی زنان روستایی.
- ۴- شناسایی راهکارهای بهبود طرحهای آموزشی- ترویجی توسعه اشتغال خانگی زنان روستایی.
- ۵- شناسایی راهکارهای جلب مشارکت زنان روستایی و گنجاندن نظرات، دیدگاهها و نیازهای آنها در طرحهای آموزشی- ترویجی توسعه اشتغال خانگی در آینده.

۵- اهمیت تحقیق

زنان نیمی از جمعیت کشورند، در حالی که براساس آمارهای رسمی تنها، ۱۱ درصد نیروی کار آن را تشکیل می دهند. طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ براساس همین آمارها سهم زنان در نیروی کار کشور تغییر چندانی نیافته است. برآوردهای انجام شده حاکی از آن است که دسترسی زنان به منابع اقتصادی اعم از سرمایه مادی، فرصت های اشتغال و سرمایه فرهنگی (به صورت تخصصی و مهارت حرفه ای) اندک است و بهره مندی آنها از دستمزد و مزایا، فرصت های ارتقاء شغلی و قدرت تصمیم گیری در اقتصاد بسیار نابرابر است (فرخی راستابی، ۱۳۸۲).

براساس اطلاعات به دست آمده از آمارگیری اشتغال و بیکاری خانواده در سال ۱۳۸۳ میزان فعالیت اقتصادی زنان، ۱۰ سال به بالا ۱۱/۸ درصد مقابل ۶۳ درصد رقم متناظر برای مردان است. بنابراین نیروی کار ایران در حقیقت، مردانه است. تداوم سنت نان آوری مرد در خانواده و اقتصادگذاران معیشت خانوار با یک شاغل از یکسو و محدودیت فرصت های بازار کار برای زنان از سوی دیگر از عوامل مهم تداوم این فرآیند است. براساس گزارش محققان پروژه در جنسیت و توسعه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا MENA، ایران در بین ۱۸ کشور منطقه در ردیف ۱۱ قرار دارد. این وضعیت بین زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست که (نسبت با سواد بین آنان ۳۳/۸ درصد و نزدیک به دوسوم از آنها بی سواد هستند و در این بین تنها ۲/۲ درصد آنان از تحصیلات عالی برخوردارند) به مراتب وخیم تر است زیرا براساس آمار معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، حدود ۳۷ درصد از خانوارهای فقیر در دهک اول، هیچ فرد شاغلی در خانواده ندارند و از این لحاظ خانوارهای زن سرپرست بدون عضو شاغل از آسیب پذیرترین خانوارها و فقیرترین آنها محسوب می شوند. همچنین براساس تحقیقی که توسط کارشناسان دانشگاه

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۸۱ انجام شده است؛ شاخص فقر انسانی زنان سرپرست خانوار رقمی معادل ۰/۵۲۷ است که در مقایسه با همین شاخص در کل کشور برابر با ۰/۱۹۳ است که رقم بسیار قابل توجهی است که در این بین آن دسته از زنان سرپرست خانوار یا خود سرپرستی که فاقد هیچ گونه پوشش حمایتی و بیمه‌ای هستند در وضعیت وخیمتری به سر می‌برند. براساس آمارهای موجود، تعداد ۹۰۵۳۱۸ زن سرپرست خانوار با جمعیتی بالغ بر ۱۶۷۴۵۰۷ در نیمه نخست سال ۱۳۸۶ تحت پوشش و پشت نوبتی کمیته امداد و تعداد ۱۴۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند (فرخی راستایی، ۱۳۸۲).

در جهان کنونی، رسیدن به اهداف توسعه بدون بهره‌گیری از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه - یعنی زنان - امری غیر ممکن است. به عبارت دیگر، یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. با وجود این، هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبولی در مشارکت عادلانه زنان در توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های آنان برقرار نشده است (باستانی، ۱۳۸۳).

در الگوی اشتغال زنان ایرانی، گرایش‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های جنسیتی برخی محدودیتها را برای اشتغال زنان ایجاد می‌نماید. سطح نازل سواد در میان زنان، عدم دسترسی زنان به مهارت‌های حرفه‌ای نسبت به مردان و عرضه و تقاضا برای کار زنان نیز مهر و نشان خود را بر الگوهای اشتغال زنان ایرانی بر جای گذاشته است (مقدم، بی تاریخ).

نرخ بیکاری در میان زنان بسیار بالاست. به نظر می‌رسد ابداعات جدید قانونی در ایران (تقسیم مساوی دارایی خانواده در صورت طلاق زن توسط مرد و بحث درباره پرداخت دستمزد به زنان خانه دار) تحت تأثیر واقعیت‌های بازار کار ایران و تأکید ایدئولوژی اسلامی بر نقش و اهمیت خانواده و والدین، صورت گرفته باشد (بخشوده و اسلامی، ۱۳۸۴).

در حال حاضر بخش بزرگی از زنان ایران یا به دلایل اقتصادی و یا اعتقادات شخصی در جستجوی کار می‌باشند. اما با ورود به بازار کار در می‌یابند که امکان‌چندانی برای اشتغال در اختیار ایشان قرار ندارد. تقاضا برای کار زنان به ویژه در بازار سنتی ایران، بسیار محدود است سیستم بازار نیز تحت سلطه بلامنازع مردان قرار دارد (باستانی، ۱۳۸۳).

در تحقیق مقدم در مورد زنان شاغل ایران، چند ویژگی برجسته جمعیتی به قرار زیر در حیطه کار زنان به شرح ذیل آورده شده است:

- ۱) سهم زنان در کل نیروی کار کشور بسیار نازل است و از ۱۰ درصد فراتر نمی‌رود.
- ۲) اکثریت زنان شاغل را معلمان و فعالان خدمات بهداشتی تشکیل می‌دهند.
- ۳) به جز قالیبافی و صنایع دستی سنتی، نقش زنان در تولید صنعتی پیشرفته بسیار محدود می‌باشد. (تنها ۱۴ درصد کل نیروی کار صنعتی).
- ۴) بخش بزرگی از زنان شاغل در بخش خصوصی، بابت کار خود مزد دریافت نمی‌کنند (در واقع تنها ۱۹ درصد زنان شاغل در بخش خصوصی، مزدبگیر هستند).
- ۵) شکل افراطی از جداسازی جنسی در محیط کار اعمال می‌شود (مقدم، بی تاریخ).

اولویت اصلی که جامعه امروز ایران برای زنان قائل است، ایفای نقش فرزندزایی و تربیت فرزندان در محیط خانه است. زن در جامعه ایران، یک نیروی کار درجه دو و مرد نان آور اصلی خانواده محسوب می شود. بزرگترین بخش از زنان شاغل در بخش دولتی را زنانی تشکیل می دادند که در وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت مشغول به کار می باشند. همین امر در مورد مردان شاغل در بخش دولتی صدق می کند. اما سهم زنان از کل اشتغال بخش عمومی تنها ۱۴ درصد بود، یک علت این امر نیز مشارکت بسیار گسترده تر مردان در صنایع فلز و فولاد، نفت و دیگر واحدهای صنعتی و تجاری دولتی (مانند هتل ها) بود. در این بنگاههای دولتی، به ندرت کارمند زن مشاهده می شود (باستانی، ۱۳۸۳).

امروزه زنان نسبت به قبل در طیف گسترده تری از مشاغل و حرف به کار مشغول می باشند و تبعیض جنسیتی در محیط کار، تاحدودی کاهش پیدا کرده است. مثلاً خدمه پرواز و پرسنل آژانسهای مسافرتی را زنان و مردان به نسبت مساوی تشکیل می دهند. در شرکتهای دارویی، زنان و مردان شانه به شانه یکدیگر کار می کنند. زنان به فروشندهی کالا در فروشگاهها و هتل ها مشغولند و گویندگان رادیو تلویزیون دولتی را نیز زنان و مردان تشکیل می دهند. سهم زنان از مشاغل خدماتی ایران، اکنون حدود ۳۰ درصد است. براساس مصوبه پارلمان، زنان می توانند در پست وکالت به کار بپردازند (مقدم، بی تاریخ).

نزدیک به نیمی از زنان شاغل در ایران، در بخش خدمات اجتماعی حرفه ای مشغول به کار می باشند. مهمترین مشکلاتی که در حال حاضر رویاروی زنان کارگر ایران قرار دارد، عبارت است از: کاهش مداوم درآمد واقعی در اثر نرخ بسیار بالای تورم و عدم دسترسی کافی به مشاغل مزدبگیری. مسأله دیگری که به اشتغال زنان مربوط می شود، قانون کار و سیاستهای اجتماعی است که باید نوعی توازن میان فعالیتهای تولیدی و وظایف مادری زن ایرانی ایجاد نماید (باقری، ۱۳۸۲).

با هسته ای شدن ساختار خانواده در مناطق شهری ایران، دیگر زنان نمی توانند به همکاری و مساعدت بستگان درجه اول خود امیدوار باشند. بنابراین، پیش بینی ساختارهای حمایتی برای اشتغال زنان در ایران، مانند دیگر کشورهای جهان، یکی از مسائل مهمی است که باید در آینده به آن توجه شود (باستانی، ۱۳۸۳). هنوز مسائلی چون عدم حضور زنان در فرایند تصمیم گیری، نرخ بالای بیکاری در میان زنان، فقدان حمایت های اجتماعی از مادران شاغل، مشکلات خانواده هایی که دارای سرپرست زن می باشند، و فقدان اطلاعات معتبر در زمینه نیروی کار، باقی است.

آنچه امروزه در جمهوری اسلامی ایران فقدان آن به شدت احساس می شود، تصویب قوانین و اتخاذ تدابیری است که بتواند شکاف عمیق موجود میان زن و مرد را در عرصه حیات عمومی جامعه، کاهش دهد. یکی از مهمترین این عرصه ها، دسترسی یکسان به اشتغال و منابع درآمد است (باقری، ۱۳۸۲).

براساس یک بررسی که توسط «یونیدو» (UNIDO) انجام شده، مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و صنعتی، به بهبود محسوس شاخص های اجتماعی، آموزشی و جمعیتی منجر می شود.

مسلماً افزایش اعتبارات و واگذار شده به زنان خوداشتغال و بهبود وضعیت آموزشی آنان، علاوه بر اینکه می تواند نقش به سزایی در تعدیل فقر ایفا کند، موقعیت اجتماعی اقتصاد زنان را نیز در جامعه تقویت می نماید (مقدم، بی تاریخ).

۶- اهمیت شغل و کسب روزی در آیات و احادیث

دستورات قرآن کریم:

و ان لیس للانسان الا ما سعی. (سوره نجم آیه ۳۹). برای آدمی جز آنچه با تلاش خود انجام داده نخواهد بود.

دستورات حضرات معصومین (س):

قال رسول الله (ص):

افضل الاعمال الکسب من الحلال. (نهج الفصاحه ص ۷۴). بهترین کارها کسب حلال است.

قال الباقر (ع):

انی لا بغض الرجل ان یکون کسلانا عن امر دنیاه و من کسل عن امر دنیاه فهو عن امر آخرته اکسل. (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۳۷). من آن کسی را که در کسب و کار خود سستی ورزد دشمن می دارم و کسی که در کارهای دنیایی سست باشد در کارهای اخروی سست تر خواهد بود.

۷- توانمندسازی زنان و مفاهیم آن

برای درک مفهوم توانمندسازی به چند تعریف ارایه شده توسط نظریه پردازان این دیدگاه اشاره میشود:

شادی طلب، توانمندسازی زنان را فرایندی می داند که در آن مردم باید به سطحی از توسعه ی فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب براساس خواست های خود را بدهد (شادی طلب، ۱۳۸۱).

کلر و ام بی وو، توانمندسازی زنان را فرایندی می داند که به وسیله آن زنان برای خودشان توانمند می شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می گردد، دفاع می کنند (کلر و ام بی وو نقل شده در: قانعی راد، ۱۳۸۴).

مالهاترا و اگبومه، توانمندسازی را فرایندی می داند که به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می باشد که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آنها می شود. این فرآیند موجب افزایش عزت نفس زنان میگردد به این معنا که موجب بهبود تصویری میشود که زنان از خودشان میبینند (قانعی راد، ۱۳۸۴).

لیندا مایوکس، توانمندسازی را فرایندی چند بعدی و در هم ادغام شده تغییر در روابط قدرت تعریف می کند که شامل سه پارادایم است:

الف) در سطح خرد پارادایم خودکفایی مالی توانمندی اقتصادی و گسترش انتخاب های فردی،

ب) در سطح میانی پارادایم کاهش فقر، افزایش رفاه و توسعه اجتماعات محلی و

ج) در سطح کلان توانمندسازی فمینیستی، و تغییر همه جانبه روابط قدرت را در بر می گیرد (قانعی راد، ۱۳۸۴).

مرکز امور مشارکت زنان سابق و صندوق حمایت از مادران و کودکان سازمان ملل در تعریف توانمندسازی می گوید: توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می شود. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت کرده و فعالیت هایی را انجام می دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می شود این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری های بنیادی است (قانعی راد، ۱۳۸۴).

از بررسی تعاریف و نظریه های مربوط به توانمندسازی مشخص می شود، توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است:

۱- نخستین عنصر، "منابع" است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال می باشد و از عوامل تسریع کننده ی توانمندسازی به شمار می آید.

۲- دومین عنصر "عاملیت" میباشد، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کننده گان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب های مهم زنده گی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند. این عنصر معرف اهمیت گفتمان از پایین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پایین است.

۳- سومین عنصر "دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست" که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد میشود. دست آوردها میتواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دست آوردهای پیچیده تری مانند خشنود بودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زنده گی اجتماعی و سیاسی و غیره را در برگیرد (قانعی راد، ۱۳۸۴).

با توجه به تعاریف و اجزای توانمندسازی زنان، اصولاً توانمندسازی یک فرآیند محسوب می شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر برابری جنسیتی می باشد. این فرآیند از سطح فردی احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور شروع میشود و تا سطوح اجتماعی توان مشارکت در فعالیتهای گروهی و جمعی، سیاسی کنترل بر تصمیمات سیاسی، اقتصادی توان کنترل تصمیمگیریهای اقتصادی و نهادی به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود را در بر میگیرد (فرخی راستابی، ۱۳۸۲).

نظریه توانمندسازی دارای سه عنصر اصلی است که عبارتند از:

الف) رشد آگاهی ها توأم با انتقادگری، توسعه ظرفیت ها برای تحول کارساز بر اساس واقعیات موجود و تقویت سازمان های طبقه ای یا سازماندهی اقشار گوناگون است.

ب) هماهنگی بین گروه های مختلف به آنها این امکان را می دهد که ضمن ارتقای تواناییها و مهارت های خود، تغییرات مطلوبی را در ساختار اجتماعی پدید آورند تا در مقابل مردم بیشتر و بهتر پاسخگو باشند.

ج) بدین ترتیب در جریان توانمندسازی زنان، سطح آگاهی های منتقدانه زنان نسبت به واقعیات بیرونی افزایش یافته و آنها به توانمندی های درونی خود که بر رفاه عدالت اجتماعی در زنده گی شان تأثیر می گذارد واقف می گردند. طی این فرآیند هنجارها و ارزش هایی احیا یا خلق می شوند که برابری جنسیتی در سطوح فردی، خانواده گی، اجتماعی، سیاسی و نهادی را تضمین می کند (فرخی راستابی، ۱۳۸۲).

توانمندسازی دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، فردی و روانشناختی، حقوق و قانونی و اقتصادی است و یکی از ابعاد مهم آن، توانمندسازی اقتصادی با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارها و بالطبع، کاهش فقر آنان است. زیرا وضع اشتغال از جهت های متعددی می تواند بر فقر و ابعاد آن تأثیرگذار باشد. یکی از اصلی ترین وجوه آن، مسأله بیکاری سرپرست خانوار است. بیکاری به منزله قطع درآمدهای معمول خانوار و غلطیدن در دایره فقر به دلیل فقدان تأمین اجتماعی و بیمه های بیکاری است. توانمندسازی، اصطلاحی است که در طول چند سال اخیر، مقبولیت سریع و فزاینده ای داشته است و هم چنین واژه ای است که در بحث های سیاسی مربوط به توانمندسازی

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

افراد محروم ظاهر شده است و در واقع ارتباط تنگاتنگی را با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود بر عملکرد زنان نشان می دهد. به عبارتی دیگر، توانمندسازی به عنوان یک ایده ی متداول محسوب گردیده که به عنوان بخشی از زبان توسعه مطرح، می شود (کیمیائی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی فرآیند چند بعدی دسترسی و کنترل افراد به منابع قدرت برای افزایش سرمایه ها و ظرفیتهای فردی و گروهی به سمت انتخابهای هدفمند است در این میان اعتبارات خرد میتواند دسترسی به اهداف توانمندسازی را تسهیل نماید. توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به معنی قدرت بخشیدن به این قشر از جامعه برای ایفای نقش برجسته در توسعه و مشارکت فعال آنها در تصمیم گیری هاست که یکی از ضرورهای دستیابی به توسعه پایدار میباشد. بدون شک دسترسی محدود و نابرابر زنان به تسهیلات در مقایسه با مردان در کنار عدم دسترسی یا دسترسی محدود به سایر عوامل تولید همچون زمین، آموزش، کار و غیره از جمله موانع کلیدی در توانمندسازی زنان است. توانمندسازی یکی از اهداف مهم توسعه ای سازمان های می باشد و این شاخص معیار مهمی در سنجش فعالیت آنها به حساب می آید (کیمیائی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی زنان به این معنی می تواند با بهبود عملکرد زنان بقا را تثبیت نماید که آنها بر شرم بی مورد خود فایق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد و قدرت رویارویی با دشواری ها و سختی ها را داشته باشند و قادر به ارزیابی صحیح و شناخت دقیق باشند و از توانایی ها و قابلیت های خود جهت نیل به هدف های خویش بهره مند گردند و با افزایش توانمندی خویش در ابعاد مختلف به اهداف مورد نظر برسند. توانمندسازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا می کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می شود و یا در مقابله با تبعیض های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می شود (کیمیائی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی از نظر تاریخی به عقاید و ابتکاراتی مانند درگیر کردن ذهنی و عاطفی زنان در کار، مدیریت مشارکتی، برنامه های پیشنهادی زنان، دوایر کیفیت و انواع تیم سازی و ابتکارات توسعه ای مربوط می شود. همه ی این عقاید و فعالیت های اولیه، اشکال گوناگون توانمندسازی هستند و همه ی آن ها از درجات متفاوتی از موفقیت بهره مند بوده اند. بسیاری از آنها به عنوان نمودهایی از اشکال مختلفی که توانمندسازی به خود می گیرد، باقی مانده و خواهند ماند. برای مثال، تیم سازی بخش اصلی حرکت در جهت کیفیت فراگیر شده است و مطمئناً به عنوان راهبرد اصلی توانمندسازی ادامه خواهد یافت. هرچند توانمندسازی سابقه ای طولانی دارد و در بیشتر حالاتش به ویژه توسعه تیم سودمندی آن به عنوان راهبرد توسعه به اثبات رسیده، اما در این میان هماهنگی و هم سویی میان سازمانهای غیردولتی مرتبط با امور زنان سرپرست خانوار در دست یابی به اهداف توانمندسازی آن ها، می تواند مؤثر باشد (کیمیائی، ۱۳۸۷).

مطالعات داخلی و خارجی بر توانمندسازی مالی و روان شناختی زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار تأکید می نمایند. اما واقعیت این است که گرچه این توافق وجود دارد که کاربست اصول توانمندسازی در کار با زنان مفید است اما در بسیاری از موارد مشخص نیست که این اصول چگونه اجرا شده و نتایج آن چیست؟ به خصوص در کشور ما که در بسیاری از موارد صرفاً به ارائه تسهیلات مالی بسنده شده و به سایر جنبه های توانمندسازی کم تر بها داده می شود (کیمیائی، ۱۳۸۷).

علی رغم این که توانمندسازی به عنوان هدف غایی برنامه های رفاه اجتماعی و به ویژه مددکاری اجتماعی است، با این وجود به صورت برنامه ای هدفمند و سازمان یافته در کشور وجود نداشته و تنها اخیراً مورد توجه جدی قرار گرفته است، که مبتنی است بر پژوهش هایی که در حوزه رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، خدمات سازمان های حمایتی همچون سازمان بهزیستی و کمیته امداد، مؤسسه های خیریه، طرح شهید رجائی و ... که مورد بررسی قرار گرفته اند (کیمیائی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی تلاشی است تا افراد، خانواده ها، گروه ها یا جوامع بتوانند قدرت به دست آورند. تحقیقات و تجارب مربوط به توانمندسازی نشان می دهد که یک فرآیند ویژه در این تغییر سهم است، که مهم ترین آن ها عبارتند از:

الف) نگرش ها، ارزش ها و باورها، به خصوص باورهای مربوط به خود کارآمدی، خود ارزشی و احساس کنترل که بر فرآیند توانمندسازی اثرگذار است.

ب) اعتباریابی از طریق تجارب مشارکتی: در این تجربه، فرد و دیگران در یک تجربه سهم می شوند که به کاهش خود سرزنشی منتهی می شود.

ج) دانش و مهارت عمل و تفکر نقادانه: از طریق حمایت و مشارکت متقابل، افراد می توانند پیرامون جنبه های درونی و بیرونی مشکل تفکر نقادانه داشته باشند.

د) عمل کردن: از طریق عمل انعکاسی، افراد می توانند راهبردهای عملی، بسیج منابع و دانش و مهارت های مورد نیاز را برای تأثیر بر ساختارهای درونی و برونی ممکن سازند (محمدی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی در عمل از کار مددکاری اجتماعی و مشاوره توانبخشی و سایر زمینه ها همچون بهداشت، رشد اجتماعی و روان شناسی اجتماعی منتج شده است. به عنوان یک الگوی عملی، آن شامل ارزش پایه ای، انجام مداخله ها، نظریه ای که راهنمای عمل است، راهنمایی هایی برای ارتباط مددجو مددکار و چارچوبی برای سازمان دهی فعالیت های یاری بخش می باشد.

برای روشن شدن بیش تر مفهوم توانمندسازی، باید به مفهوم قدرت که زیر بنای اقتدارافزایی است، پرداخته شود. اقتدارافزایی یا توانمندسازی وقتی قابل طرح است که صاحبان قدرت قابل تغییر باشند. همچنین این موضوع بستگی به باور ما درباره امکان گسترش یافتن قدرت در دست دیگر افراد دارد (محمدی، ۱۳۸۷).

توانمندسازی برای هر گروه، فرد یا جامعه ای که به دنبال فعالیت های نظام دار یا راه اندازی از آن جا که زنان به لحاظ فردی مؤسسات است، هدف مناسبی است و گروهی در شرایط متفاوت و فاقد قدرت زندگی می کنند. بنابراین، توانمندسازی زنان بخش مهم و مورد نیاز حوزه ی کار مددکاران اجتماعی، مشاوران توانبخشی و مشاوران شغلی و سازمانی است.

توانمندسازی اقتصادی به دنبال کاهش فقر و افزایش توان مالی خانواده است. اصولاً کاهش فقر یکی از بزرگ ترین چالش های جهان در سطح بین المللی است (محمدی، ۱۳۸۷).

نخستین گام در توانمندسازی اقتصادی ایجاد اشتغال مناسب است. بدین منظور سازمان های حمایتی ابتدا به منظور اشتغال زنان سرپرست خانواری که وارد طرح توانمندسازی شده بودند، آموزش شغلی مناسب با توانایی ها و

علائق آن‌ها از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای ارائه نموده و سپس وام خود اشتغالی را به آنان پرداخت و بر نحوه صرف آن و راه اندازی شغل مورد نظر نظارت می نمودند.

تجارب زیادی وجود دارد که در آن توجه به یک بعد اقتصادی، اجتماعی، جسمانی یا روانی به تنهایی باعث شکست برنامه رفاه شده است (محمدی، ۱۳۸۷).

منابع انسانی مهمترین عامل توسعه است و برای مبارزه با فقر نخست می باید احساس خودباوری و اتکاء به نفس را در افراد به وجود آورد. فرآیند توانمندسازی را میتوان ظرفیت سازی اجتماعی نیز نامید. به نظر میرسد یکی از دلایلی که زنان از عمده ترین اعضای این سازمانها میباشند توجه به اصل توانمندسازی است. طرح اعتبارات خرد زنان یکی از طرحهایی است که در وزارت جهاد کشاورزی به منظور افزایش زمینه فعالیت اقتصادی و ارتقای سطح رفاه زنان محروم اجرا شده است. انتخاب زنان به عنوان مشتریان، هدف اعتبارات خرد و از روشهای مؤثر برای فقرزدایی میباشد زیرا منافع حاصل از افزایش درآمد آنها، باعث بالارفتن سطح رفاه خانواده و بهخصوص کودکان آنها گردیده است، ضمن اینکه خود زنان نیز به دلیل کسب درآمد از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار شده اند (محمدی، ۱۳۸۷).

سازمان ملل متحد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره اعلام کرده است. این بدین معنی است که اگر هدف حذف نابرابری جنسیتی عینیت پیدا نکند، تحقق اهداف هزاره سوم با دشواری زیادی مواجه خواهد بود.

در دو دهه اخیر در بسیاری کشورها، تأمین مالی خرد و کوچک با راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت های شغلی جدید به ویژه فعالیت های خود اشتغالی، کاهش فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است، به طوری که برخی کشورها در این زمینه به توفیق های چشم گیری دست یافته اند.

در اقتصاد ایران، اعطای وام های خرد و خوداشتغالی از راههای گوناگون و از جانب نظام بانکی و برخی نهاد های رسمی و غیررسمی صورت می پذیرد.

توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع تر و عمیق تر، برداشتن موانع و تحول در کلیه نهادهایی است که زنان را از به دست آوردن توانمندی های خود بازمی دارند. هم چنین از این جهت که زنان گروه متجانسی را تشکیل نمی دهند و لزوماً زیر یک گروه واحد قرار نمی گیرند، قابلیت ها و ویژگی های زمینه ای و عاملیت زنان در فرآیند توانمندسازی نقش به سزایی ایفا می کنند (محمدی، ۱۳۸۷).

در این پژوهش منظور از توانمند سازی زنان روستایی را می توانیم در تعریف ذیل بیان و خلاصه نماییم:
ایجاد شرایط و وضعیتی برای زنان روستایی به ویژه از طریق ارائه آموزشهای مناسب و متنوع به آنها که بتواند موجب و وسیله ای جهت ایجاد اشتغال مناسب (و بویژه خود اشتغالی) برای آنها و موجب بهبود وضعیت اقتصادی آنها و کاهش فقر و افزایش توان مالی خانواده های آنها گردد. در ضمن این فرایند بتواند موجب بهبود جایگاه اجتماعی- فرهنگی- امنیتی آنها و حذف یا کاهش نابرابری های جنسیتی آنها در جامعه پیرامون گردد و همین طور موجب بهبود باورهای مربوط به خود کارآمدی، خود ارزشی و باور احساس کنترل آنها بر تغییر و بهبود سرنوشت خودشان و خانواده های آنها بگردد.

۸- مراحل توانمندسازی زنان

سارا لانگه، از جمله نظریه پردازان توانمندسازی، یکی از کارشناسان زن در آفریقا است، او زنان را بر کنترل بیشتر بر جنبه های زندگی خود، تشویق میکند و مشارکت مستقیم را در حیات اجتماعی جامعه و توسعه، هم به عنوان نتیجه و هم به عنوان ابزار توانمندسازی زنانه، توصیه می نماید. او معتقد است که برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که شامل: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل میداند (رسول اف، ۱۳۸۱).

در مرحله ی رفاه؛ رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می گیرد. بنابراین، زنان و مردان بایستی از نیازهای مادی مانند: غذا، درآمد، هوای سالم و سلامت برخوردار باشند و این اولین گام در توانمندی زنان است و زنان نیز مانند مردان باید از منابع توسعه برخوردار شوند و مسئله معیشتی نداشته باشد (رسول اف، ۱۳۸۱).

در مرحله ی دسترسی؛ زنان باید به عوامل تولید، کارهای مولد درآمد، خدمات، آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتا محصول و دست رنج خود دسترسی داشته باشند. یعنی؛ زنان بایستی به منابع توسعه و یا منابع قدرت مانند: زمین، نیروی کار، اعتبار، آموزش، خدمات عمومی و حقوق قانونی دسترسی داشته باشند. برابری به معنای این است که زنان دارای حق مساوی دسترسی بر طبق اصول برابری باشند و توانمندسازی در اینجا به معنای این است که زنان دارای حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه ی خانواده و در مقیاس بزرگتر در سیستم کشوری نیز باشند (رسول اف، ۱۳۸۱).

در مرحله ی آگاهی؛ این مرحله از برابری شامل این است که زنان چگونه مفهوم فرآیند توسعه را در حد نابرابری ساختاری درک میکنند. زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. مرحله ای است که زنان به مشکلات خود و به عوامل بروز آن حساس و ابعاد اجتماعی در آن مطرح می شوند؛ یعنی زنان و مردان باور کنند که نقش جنسیت نیز می تواند تغییر پیدا کند و برابری امکا نپذیر است. تغییرپذیری فمینیست، به دلیل این که مسأله ای در جنسیت مطرح می شود امری اجتماعی است نه فیزیکی، لذا هرگونه تغییری امکا ن پذیر است. وضع کنونی باید تغییر کند، برابری به وجود بیاید، یعنی بتوان این حقوق یکسان را برای هر دو جنس در نظر گرفت.

در مرحله ی مشارکت؛ زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با شمار آن ها در جامعه تناسب باشد. مرحله ای است که زمینه ی حضور فعال زنان فراهم شده و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه همه در تمامی مراحل، از پیشنهاد راه حل ها تا اجرای آن وجود دارد. مشارکت یکسان و برابر زن و مرد در تصمیم گیری در تمام برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها باید صورت گیرد (رسول اف، ۱۳۸۱).

در مرحله ی کنترل؛ به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است. مرحله ای است که زنان قدرت تصمیم گیری پیدا می کند و درمورد مشکل فکر می کنند بهترین راه حل را پیشنهاد می دهند و بر منافع و تسهیلات برای اجرای راه حل تسلط دارند. کنترل آخرین مرحله توانمندسازی است، یعنی در اختیار گرفتن و مدیریت کردن، وقتی مراحل قبلی طی شد و به توسعه رسیدیم، زنان و مردان باید کنترل یکسانی روی تولید، منافع تولید و توزیع داشته باشند.

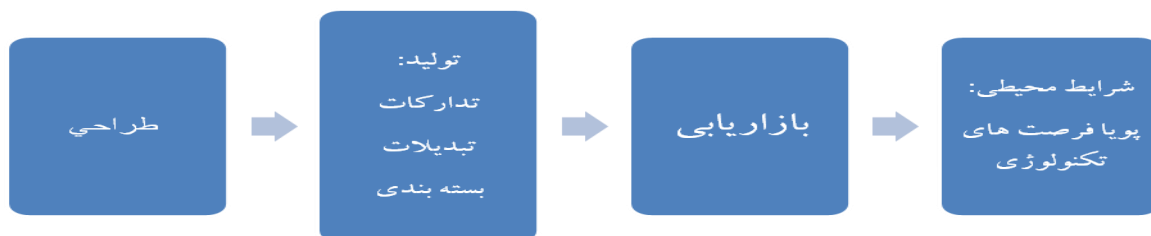
اولین همایش ملی زن توسعه پایدار روستایی

توانمندی و قدرتمندی در اینجا حاصل می شود. در واقع زنان سرنوشت خود را تعیین می کنند و انتخاب به دست خود زنان است (رسول اف، ۱۳۸۱).

توانمندسازی به عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر برای رسیدن به حقوقشان از طریق دست یابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان های موجود و همچنین تغییر یافته، تعریف می شود. توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می شود که در آن افراد، گروه ها و سازمان ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل پیدا کنند. بنابراین، هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است تا تلاش نمایند بر ضعف هایشان غلبه؛ جنبه های مثبت زندگیشان را بهبود بخشیده، مهارت ها و توانایی هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و آن را در عمل پیاده نمایند (طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۶).

۹- توانمندسازی از طریق ایجاد مشاغل کوچک در سایر کشورها و ایران با تأکید بر کمیته امداد امام (ره)

اغلب این تصور وجود دارد که این نوع از کسب و کار (کسب و کارهای کوچک و خانگی) در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته رواج دارد در حالی که آمارها نشان می دهد که کسب و کارهای خانگی و خوداشتغالی، بخش قابل توجهی از نیروی کار کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال کشور ایتالیا از دوده قبل برای توسعه و صنعتی کردن و کاهش بیکاری در مناطقی که کمتر توسعه یافته بودند (مناطق جنوبی که بعدها به ایتالیای سوم موسوم شد) سیاست توسعه و گسترش کسب و کارهای کوچک و خانگی را در پیش گرفت، طوری که بیش از ۷۹٪ از مجموع شرکت های صنعتی این کشور را که جزو ۷ کشور صنعتی دنیا به حساب می آید، واحدهای کوچک، متوسط و خانگی تشکیل می دهند و زمینه اشتغال ۸۷٪ از کل نیروی شاغل در بخش صنعت و ۶۱٪ از نیروی شاغل در بخشهای غیرصنعتی را شرکت ها و واحدهای کوچک و خانگی تشکیل داده اند. در کشور آمریکا ۴۳/۲ میلیون نفر به صورت پاره وقت و ۱۲۷ میلیون نفر به صورت تمام وقت در خانه به کسب درآمد می پردازند و این رقم ۲۰٪ کل شاغلین این کشور را تشکیل می دهد. در استرالیا ۶ تا ۷ درصد کل شاغلین این کشور در بخش کسب و کارهای خانگی مشغول به فعالیت هستند. کشور چین نیز برای کاهش فقر و نیز کاهش قیمت تمام شده و کسر هزینه های سربار، تمام ریا بخشی از فرایند تولید را در قالب انشغالهای کوچک سازماندهی کرده است. در مجموع به نظر میرسد یکی از مهمترین راهکارهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در توانمندسازی افراد فقیر، استفاده از رویکرد فقرزدایی از طریق راهبرد مالیه خرد (Micro Finance) می باشد که به روشهای گوناگون طراحی و پیاده سازی شده است (امینی، ۱۳۷۸).



شکل شماره ۱- مجموعه فعالیت های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق ایجاد مشاغل خانگی کمیته امداد امام (ره) (امینی، ۱۳۷۸).

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

طی سالهای اخیر، با اوج گرفتن بحثهایی که لزوم نیل به پیشرفت و عدالت را نیاز ضروری جامعه امروز ایران می دانند ارتقاء سطح رفه و کیفیت زندگی زنان نیز جزئی لاینفک از این فرآیند تعریف گردیده است (امینی، ۱۳۷۸). در این راستا، توسعه اجتماعی، به عنوان یکی از ابعاد اصلی فراگرد پیشرفت، بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت و توانمندی انسان هاست، با اجرای درست توسعه اجتماعی، انتظار بر این است که کلیه افراد جامعه، به ویژه زنان، از سطح زندگی و رفاه مناسب تری برخوردار شوند. یکی از راه های مهم در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، حرفه آموزی به آنان که عنوان شیوه ای مطمئن در راه خود اشتغالی و ایجاد منبع درآمد پایدار است. البته این کارآموزی می بایست هدفمند و روشمند صورت پذیرد و نیازمند ارائه مدل های علمی و کارآمد دارد (تقی زاده، ۱۳۸۶).

اهداف طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق ایجاد مشاغل خانگی کمیته امداد امام (ره)

اهداف کلی

۱. ارتقاء توانمندی های زنان و افزایش بالندگی آنان
۲. بهره گیری از توانمندی زنان در ایجاد مشاغل خانگی
۳. بهره گیری از توانمندی زنان در ایجاد اشتغال و خوشه های تولیدی
۴. اشتغال زایی و کارآفرینی برای زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد
۵. توان افزایی زنان از طریق توسعه آموزشهای فنی و کاربردی در سطح خانواده

اهداف فرعی

۱. تقویت بنیان اقتصادی و استقلال مالی خانواده های تحت حمایت
۲. تقویت اعتماد به نفس و تغییر در نگرش عوامل فرهنگی زنان نسبت به توانایی های خود (خودباوری)
۳. تلاش در جهت کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری در بین خانواده تحت حمایت از جمله بیماریهای روحی (افسردگی، پرخاشگری) و جسمی



شکل شماره ۲- مجموعه عوامل موثر بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار (امینی، ۱۳۷۸) و (Golmohammadi, 2011).

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

۴. تلاش در جهت افزایش امید به زندگی در خانواده های امداد
۵. تقویت روحیه هممللی و تعاون و افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی با بهره گیری از مشارکت زنان
۶. توسعه اقتصادی و توانمند سازی خانواده ها و بهبود کیفیت زندگی زنان
۷. بهره برداری بهینه از منابع محلی
۸. توسعه مشاغل خانگی با استفاده از پتانسیلهای بالقوه و نیروی کار محلی (تقی زاده، ۱۳۸۶).

جدول شماره ۱- شاخص های توسعه ی ابعاد توانمندسازی اقتصادی (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴).

در سطح فردی:
خودکفایی ، دسترسی به درآمد فردی، افزایش عزت نفس، کاهش فشارهای روحی و روانی ،بهبود رفاه فردی، مالکیت منابع مادی
در سطح خانواده:
نظارت بر منابع اقتصادی خانواده ،نظارت بر دخل و خروج امور خانواده ، افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، تصمیم گیری در مورد دخل و خرج خانواده
در سطح جامعه:
ورود به بازار کار ، تجارت و اشتغال، کسب اعتبار مالی و اجتماعی ، حضور فعال در تصمیم گیری های اقتصادی در سطح جامعه

مطابق با نظر دریزی و سن (۲۰۰۰) آموزش دارای پنج ارزش حقیقی برای بهبود شرایط اقتصادی ،اجتماعی به ویژه در جهان سوم است که این ارزش ها در سه زمینه ی فردی ، اجتماعی و اقتصادی و ارتباطی قابل بحث است (بیگدلی شاملو، ۱۳۸۹):

۱. آموزش دارای منافع مادی در جهت خودتکایی زنان است که موجب افزایش تحرک در جامعه می شود.
۲. آموزش دست یابی به فرصت های شغلی را آسان می سازد و زنان از منابع اقتصادی بهره مند می شوند
۳. آموزش و افزایش سطح تحصیلات ، تقاضا برای ارایه ی خدمات بهداشتی و پزشکی ، حفظ امنیت اجتماعی ، حضور در مجامع سیاسی و سایر نیازها را افزایش میدهد
۴. آموزش از کار کردن کودکان در سن طفولیت جلوگیری کرده و اثری آن ها را به سمت علم و دانش رهنمون می سازد
۵. آموزش و افزایش سطح تحصیلات افراد را قادر می سازد که از طریق مشارکت در گروه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ،بیشتر در جوامع و عرصه های یاد شده حضور یابند.

قابل ذکر است که به دنبال افزایش توجه نسبت به آموزش زنان ، مفهوم توانمندسازی زنان نیز ظهور پیدا کرد در سال ۱۹۹۳ مقاله ای با عنوان « آموزش زنان، توانمندسازی زنان و جمعیت زنان» به وسیله ی UNFPA منتشر شد که هسته ی اصلی این مقاله بر آموزش زنان به عنوان وسیله ای برای توانمند سازی متمرکز یافته بود این آموزش ها لازم است که در چهار جنبه موثر واقع گردد:

۱. مهارت های پایه
۲. مهارت های فردی: کارگروھی، یادگیری و مذاکره کردن
۳. مهارت های فکری: تفکر خلاق ، تصمیم گیری، حل مشکل
۴. قابلیت های فردی: مسئولیت پذیری، اعتماد به نفس، انسجام فکری، خود مدیریتی (جمشیدیان و نادری ۹۴-۹۵)

راهبردهای توانمندسازی با محوریت اشتغال کمیته امداد امام خمینی (ره) (طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۶).

۱. شناسایی استعداد، توانایی و نیازهای مددجویان
۲. برگزاری دوره های آموزش فنی و حرفه ای
۳. برقراری نظام کارورزی برای دانشجویان
۴. کاریابی برای مددجویان آماده به کار
۵. اعطای تسهیلات مالی و کمک های فنی و تدارکاتی
۶. اجرای برنامه های هدایت شغلی برای دانش آموزان
۷. سازمان دهی جوانان خلاق برای کارآفرینی

راهبردهای پایدار سازی مشاغل ایجاد شده

۱. نظارت بر حسن اجرای طرح های اشتغال
۲. کنترل کیفیت محصولات تولیدی مددجویان
۳. پشتیبانی فنی و تدارکاتی از مددجویان کارآفرین
۴. برگزاری نمایشگاه
۵. کمک در بازاریابی و فروش محصولات تولیدی
۶. برگزاری مسابقات علمی و مهارتهای فنی (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶).



شکل شماره ۳- مولفه های توسعه پایدار (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴).

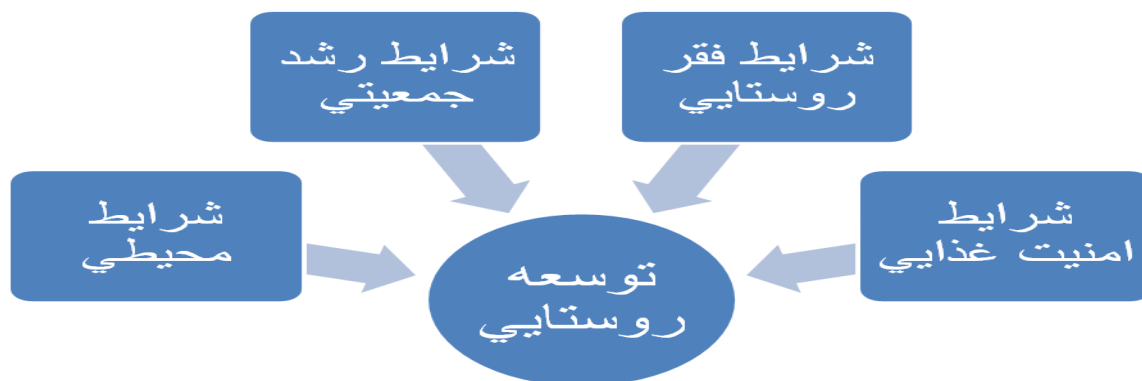
اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جدول شماره ۲- تعاریف توسعه (ازکبا و ایمانی، ۱۳۸۴).

مطرح کننده	تعریف
هاربیسون	هاربیسون اهداف توسعه را شامل به حداقل رساندن بیکاری و به حداکثر رساندن سطح فرهنگ، دانش، آموزش و پرورش و بهداشت بهتر، محدود کردن رشد جمعیت و اصلاح محیط زیست می داند
اون و شاو	استقرار و تأسیس نهادهایی در جامعه که به افراد فقیر و محروم کشورهای جهان سوم فرصت شرکت در اتخاذ تصمیم های مهم و سرنوشت ساز زندگی خود را اعطا میکند
میسرا	دستیابی فزاینده انسان به ارزشهای فرهنگی
مایکل تودارو	جریانی چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق می باشد در این تعریف سه ارزش معاش زندگی اعتماد به نفس و آزادی به عنوان پایه فکری و رهنمود علمی توسعه در نظر گرفته شده اند.

۱۰- توسعه روستایی

امروزه اهمیت توسعه روستایی (Rural Development) و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها، بویژه کشورهای درحال توسعه، برهیچ کس پوشیده نیست، مایکل تودارو اقتصاددان معاصر در این باره چنین می نویسد: «اگر قرار است توسعه ای انجام گیرد و خود مستمر باشد باید بطور اعم از مناطق روستایی و بطور خاص از بخش کشاورزی آغاز شود. مسائل اساسی فقر گسترده، نابرابری درحال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده تماماً ریشه در رکود و اغلب سیر قهقاری زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد».



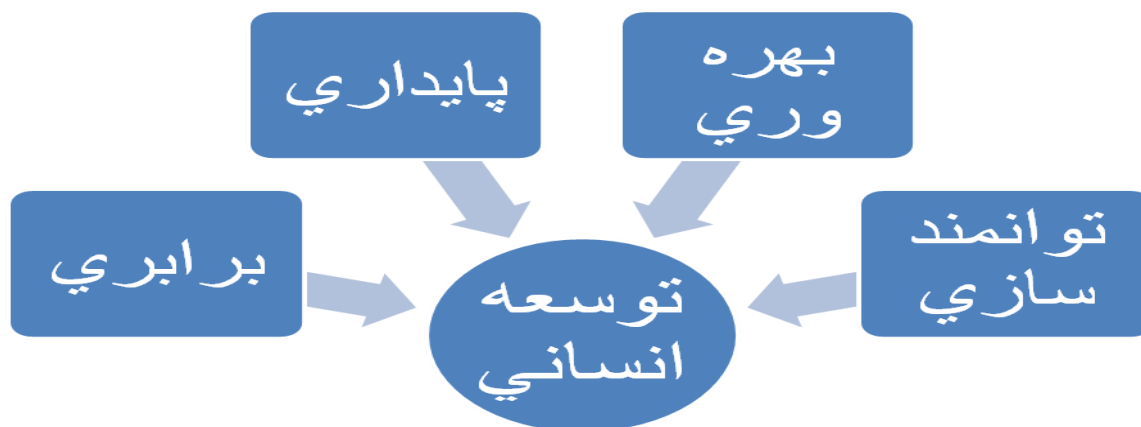
شکل شماره ۴- برخی از عوامل اصلی تاثیرگذار بر توسعه روستایی (Golmohammadi, 2011).

توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. هکچنین موردی از رفاه اجتماعی نبوده که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی "Human Mobilization" را شامل می شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی های ساختاری که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی شان نگاهداشته است قادر می سازد. و به باور کارشناسان و دست اندرکاران امر، تحقق توسعه روستایی بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است به همین اعتبار اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر است. بعبارت دیگر توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرایط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار است. به غیر از منابع انسانی، عوامل همانند فقر روستایی، رشد جمعیت و بار تکفل، امنیت غذایی و محیط زیست را میتوان بعنوان عامل اساسی توسعه روستایی بشمار آورد (طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۶) و (گل محمدی، ۱۳۸۷).

۱۱- توسعه منابع انسانی و توانمندسازی زنان

طی دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی مفاهیم جدیدی از توسعه مطرح شد که در آن توسعه، فقط سنجش مادی درآمد، بیکاری و نابرابری نبوده بلکه فرایندی چندبعدی تلقی می شد که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایشهای مردم و نهادهای ملی و محلی و تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و محو فقر رادر پی داشته باشد. براساس این نگرش جدید که انسان و شاخص های مرتبط با او مطرح می شوند مفهوم توسعه انسانی "Human (HRD) Resources Development" نمود پیدا می کند. در این رویکرد جدید هدف، پرورش قابلیت های انسان و گسترش امکان انتخابهای اوست. با توجه به این رویکرد و برجسته شدن نقش زندگی انسان، بتدریج جنس زن با توجه به ویژگی های جنسیتی وارد معاملات و شاخص های توسعه شده و پیش بینی های دهه های گذشته مبنی بر اینکه فواید توسعه در فرایند آن به تمامی طبقات اجتماعی خواهد رسید، مورد تردید جدی قرار گرفت زیرا در میان نابرابری های موجود نابرابری جنسیتی بطور بارزتری در سطح جهان به چشم می خورد. براین اساس پیام اصلی توسعه انسانی به عنوان مهمترین رویکرد در جهان امروز کاملاً روشن و واضح است. بطوریکه، توسعه امری جنسیتی قلمداد شده زیرا فرایند کاهش نابرابری ها و گسترده کردن دامنه انتخابهاست و جامعه جهانی دریافته است که توانمندسازی زنان "Women Empowerment" برای بکارگیری استعداد و انتخاب کردن، نه تنها در ماهیت خود با ارزش است بلکه به رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه جهانی خواهد انجامید (گل محمدی، ۱۳۸۷).

در یک برداشت کلی توسعه انسانی دارای دو جنبه اصلی شکل گیری توانمندسازی انسان نظیر سطح سلامت، دانش و مهارت و بکارگیری این توانمندسازی های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می باشد (گل محمدی، ۱۳۸۷). در تمامی الگوهای توسعه انسانی که رویکرد کلان نگر "Macrovision" می باشد، چهار عنصر اساسی بهره وری "productivity" (کسب حداکثر نتیجه از حداقل تلاش و امکانات و مشارکت در فرایند درآمد زایی، اشتغال و...) برابری "Equity" (شانس مساوی برای دسترسی به فرصتها)، پایداری "Sustainability" (تضمین دسترسی به فرصتها نه تنها برای نسلهای حاضر بلکه برای نسلهای بعدی) و توانمندسازی "Empowerment" (انجام توسط مردم نه برای مردم، به عبارت دیگر مشارکت تام مردم در جریان تصمیمات و فرایندهایی که زندگی آنها را شکل میدهد) به چشم می خورد.



شکل شماره ۵- عناصر توسعه انسانی (از کیا و ایمانی، ۱۳۸۴).

رویکرد توسعه انسانی در پی اندازه گیری سه ظرفیت اساسی بعنوان سه شاخص توسعه انسانی است. این ظرفیتها یا توانمندی ها عبارتند از: توان برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامت، توان معرفت اندوختن و کسب علم و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم جهت حصول سطح زندگی مناسب (گل محمدی، ۱۳۸۷).

عنوان نظریه	تمرکز نظریه
نظریه رفاه Welfare Theory	تاکید بر روی نقش زن بعنوان تولید کننده و به عرصه رساندن نیروی کار و سعی در ایجاد فرصتهای درآمد زای خانگی برای آنان بمنظور بهزیستی اعضای خانواده
نظریه برابری حقوق Equity Theory	تاکید بر افزایش سطح میزان بهره وری کارکنان و مشارکت مستقیم آنان در بازار کار با گرایش های عمده تامین برنامه های پرورشی و آموزشی حرفه ای با ارائه مهارتهای مورد نیاز بازار به زنان به منظور توانا ساختن زنان در رقابت با مردان در بازار کار
نظریه فقرزدائی Anti-Poverty Theory	تاکید بر افزایش سطح درآمد زنان خانواده های فقیر بطور کلی بعنوان بهره بردار و دومین تولید کننده درآمد نقدی
نظریه کارائی Efficiency Theory	تاکید بیشتر بر افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی و تغییر پذیری کار زنان در امور خانه داری و پرورش نیروی کار و فعالیتهای مختلف زنان در اجتماع
نظریه توانمندسازی Empowerment Theory	تاکید بر قدرت زنان به صورت برتری یک فرد بر فرد دیگر بلکه بر افزایش خوداتکائی Self-Reliance زنان و قدرت درونی آنها

۱۲- عوامل موثر بر اشتغال خانگی در خانوار های روستایی

پیش از پرداختن به بحث اشتغال خانگی "Home Employment" لازم است ابتدا ساختار خانوار روستایی و وضعیت انجام کارها در آن مشخص شود. خانواده مهمترین واحد تولید، توزیع کالاها و ارایه کننده خدمات در تمامی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. علاوه بر این خانواده مسئولیت بقای نسل و توسعه منابع انسانی را بر عهده دارد. از این رو اقتصاد دانان خانواده را بنیان زندگی اقتصادی جوامع می دانند. در خانواده برای رسیدن به اهداف دوتی نوع کار بازاری "Market work" و کار خانگی "Domestic work" انجام میشود. با انتقال بخش اساسی از کارکرد تولیدی خانواده به بازار، کوچکتر شدن اندازه خانواده و علاقه فزاینده به ارتقاء رفاه سبب گردیده است این دوتی نوع کار در طول زمان روند نزولی راطی نماید (کتابی و دیگران، ۱۳۸۴).

دو اصطلاح تولید برای بازار (تولید بازاری "Market Production" و تولید برای غیربازار (تولید غیربازاری "Non-Market Production") در واقع نشان دهنده دو قطب یک پیوستار هستند که فعالیتهای خانواده روستایی، حول محور آن انجام میشود. برخی از فعالیتهای خانوار روستایی مانند تولید مواد غذایی نیمه معیشتی و یا فرآوری مواد غذایی، هم برای بازار و هم برای مصرف و استفاده خانوار انجام میشود. مقدار زیادی از این تولیدات ممکن است صرف مصارف خانوادگی و یا اعطای کمک به خویشاوندان شود و مازاد آن نیز برلای فروش به بازار عرضه گردد. در پاره ای شرایط، تولید برای بازار در اولویت قرار میگیرد و فقط آن بخش از مازاد که بازار فروش نداشته است در منزل مصرف میشود (کتابی و دیگران، ۱۳۸۴).

الف) تولید بازاری:

تولید برای بازار، شامل آن دسته از فعالیت هایی است که تبادل پول، کالا، خدمات و معامله به مثل مستقیم لازمه آنهاست. باوری که عملیات این بخش اقتصادی بر پایه آن انجام می شود مبتنی بر منطق سوددهی است. تولید برای بازار، فعالیت در بخش رسمی، کشاورزی تجاری، فعالیتهای بازرگانی، اشتغال دستمزدی و فعالیتهای درآمدزای مقیاس راکه قبلا جزو فعالیتهای اقتصادی غیر رسمی طبقه بندی گردیده است شامل میشود.

ب) تولید غیربازاری:

تولید برای غیربازار دونوع فعالیت دربخش اقتصاد وغیررسمی را شامل میشود"

ج) تولید برای خانوار ویا تولید معیشتی:

این بخش شامل یک مجموعه فعالیت است که برای تولید کالاها وخدمات مورد نیاز خانوار وتوسط خود اعضای خانوار انجام میشود ودر صورت لزوم میتوان آنها را با کالاهای موجود در بازار ویا خدماتی که باید درقبال آنها پول پرداخت شود، معاوضه ومبادله کرد. تولید مواد غذایی، سوخت، ایاف، احشام، صنایع دستی، مسکن، اسباب و اثاثیه منزل، پوشاک وسایر کالاهایی که برای مصرف خانواده تولید میشوند، ازاین مقوله اند. پاره ای فعالیتهای وخدمات دیگر نظیر کار کشاورزی بدون کارمزد وکارهای داخل منزل، پرورش دام وطیور، پخت وپز، پذیرایی، جمع آوری، حمل ونقل، خانه تکانی، شستن البسه، حفظ ونگهداری مواد غذایی، بچه داری ومواردی ازاین دست نیز دراین مقوله جای دارند. به تولید این نوع کالاها وخدمات، تولید « تفکیک پذیر» "Separable" میگویند. علت این نامگذاری آن است که میتوان وظیفه ای راکه درحال انجام دادن آن است از او منفک ساخت وآن رابه فرد دیگری و به کسانی که در مقابل انجام کار دستمزد می گیرند واگذار کرد(کتابی و دیگران، ۱۳۸۴).

د) تولید اجتماعی یا تفکیک ناپذیر "Inseparable":

نوع دیگری از تولید غیربازاری است که ازآن به عنوان تولید خانگی یا خدمات اجتماعی یاد شده است. ماهیت این فعالیتهای بگونه ای است که نمی توان آنها را از اعضای خانواده جداکرد و در قبال اخذ دستمزد به کارگزاران مزدبگیر واگذار کرد. چراکه انجام دادن آنها مستلزم وجود پاره ای روابط و ارزشهای انسانی است (مانند تغذیه کودکان ویا کمک کردن به برگزاری مراسم تشییع وتدفین). کارهایی که دراین زمینه ها صورت میگیرد ریشه در نیازها و ارزشهای انسانی دارد نه کسب سود ومنفعت. این نوع فعالیتهای به سه دسته تقسیم بندی می شوند:

درون خانواری "Intra-household": این دسته شامل فعالیتهایی از قبیل تربیت وپرورش، بچه داری، آموزش اصول اجتماعی یا اصول زندگی در اجتماع میباشد.

بین خانواری "Inter-household": ازجمله فعالیتهایی هستند که در گروه بین خانواری قرار دارند شرکت در مراسم، همیاری وکمک متقابل؛ تبادل مهارت وغیره.

فعالیت های اجتماعی "Social": فعالیت هایی که دراین دسته قرار دارند عبارتنداز: خودیاری عمومی و ارائه خدمات در زمینه های سیاسی، قضائی، مذهبی وخدمات آموزشی غیر رسمی. اعضای خانوار خود رادر قبال خویشاوندان وجامعه برای مشارکت دراین قبیل فعالیتهای ملزم و موظف احساس می کنند.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

اقتصاد خانواد درست همانند "اقتصاد کلی ملی" در قالب یک نظام "کلی" واحد عمل میکند؛ منتها اهداف و اولویت های آنها با یکدیگر متفاوت است. بدیهی است در جوامع امروزی خانواده باید ترکیبی از کار خانگی و کار بازاری را انتخاب کند. این انتخاب باید بنحوی باشد که حداکثر رفاه را در راه رسیدن به اهداف برای خانواده فراهم سازد. همچنین جهت بهره برداری صحیح از زمان و دست یابی به اهداف، خانواده باید این دونوع کار را بین اعضاء خود تقسیم کند. چگونگی تقسیم کار در خانه نقش تعیین کننده ای در اشتغال زنان و تابع عرضه نیروی کار زنان دارد (کتابی و دیگران، ۱۳۸۴).

در شکل شماره ۷- به عوامل تاثیرگذار بر اشتغالات خانگی زنان روستایی اشاره شده است.

ساختار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی خانواده می تواند بر اشتغال زنان تاثیر گذارد. خانواده های مرد سالار، خانواده هایی که به علت جمعیت بالا به زن فرصت انجام فعالیت های دیگر نمی دهد و خانواده هایی که از لحاظ اقتصادی متکی به مرد می باشند زمینه و محیط را برای اشتغال زنان فراهم نمی آورند. سرمایه و منابع مالی در دسترس خانوار میتواند در فراهم کردن لوازم و مایحتاج ایجاد مشاغل از قبیل دار قالی، پارچه، مواد اولیه و لوازم منبت کاری و کاربر روی چوب، دام و طیور و... به خانواده کمک نماید. محیط و عوامل جغرافیایی تعیین کننده نوع فعالیت هایی است که زنان خانوار می توانند در کنار کار خانه داری به آن بپردازند طبیعتا انجام برخی از فعالیت ها وابسته به مهیا بودن شرایط جغرافیایی و محیطی آنها میباشد. علاوه بر این موارد تمرکز دولت و سیاستهای آن میتواند در فراهم کردن اعتبار مورد نیاز، وسایل و تجهیزات، تصویب قوانین و مقررات و آیین نامه های لازم، ارائه آموزشهای مورد نیاز، تخصیص مروجین و مراکز آموزش، به ارائه آموزشهایی برای خانوارهای روستایی جهت ایجاد اشتغال زنان کمک نماید. و نهایتا آموزش تاثیر عمده ای بر افزایش سطح آگاهی و معلومات، دانش فنی و مهارتهای حرفه ای، ارتقاء سطح فرهنگی و رفع موانع فرهنگی- اجتماعی اشتغال زنان دارد. طرح حاضر کوشیده از طریق برگزاری دوره های آموزشی جهت توانمندسازی زنان روستایی راه را برای اشتغال خانگی زنان روستایی هموار سازد در ادامه به تشریح این عامل تاثیرگذار بر اشتغال می پردازیم. بسیاری دیگر طرح حاضر با تاکید بر عامل آموزش که یکی از عوامل تاثیرگذار مذکور می باشد سعی در ایجاد درآمد، افزایش مشارکت زنان و بالا بردن سطح نگرش آنها نموده است.



شکل شماره ۷- برخی از عوامل موثر بر اشتغال خانگی (Golmohammadi, 2011).

۱۳- نتیجه گیری

امام خمینی (ره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه زنان، بانوان، علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد (امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۶۱).

مقام معظم رهبری فرمودند:

« وقتی زن خانواده وارد میدان می شود در حقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می کند».

زنان هر جامعه نماینده فرهنگ و ارزشهای حاکم بر آن جامعه هستند امروزه مشارکت فعال زنان برای نهادینه کردن فرهنگ و ضرورت ایجاد بسترهای لازم جهت نیل به توسعه پایدار امری است پذیرفته شده در صورتی که یک جامعه و به خصوص زنان آن بتوانند با تکیه بر توانمندی های خود در روند توسعه، مشارکت داشته باشند. میتوان امیدوار بود که رفاه اجتماعی تحقق یابد (باقری، ۱۳۸۲).

بدین لحاظ ضرورت دارد نقش مشارکتی زنان در سطح مختلف تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا مورد توجه قرار گیرد و این مهم مقدور نیست مگر آن که زمینه توانمندسازی زنان از طریق شرکت در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آید توانمندسازی فرایندی است که به وسیله آن افراد ضمن داخل شدن در فرایند تصمیم سازی بر برنامه های زندگی خود کنترل داشته و بدین وسیله دامنه انتخاب گزینه ها در زندگی افزایش می یابد مفهوم توانمندسازی زنان به معنای ارتقای خود باوری و خوداتکایی و حضور فعال و مستمر آنان در برنامه توسعه است کمیته امداد امام خمینی (ره) به دلیل تحت پوشش داشتن بیش از یک میلیون زن سرپرست خانوار در توانمندسازی آنان نقش مهمی را میتواند ایفا کند.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی زمینه ساز دگرگونیها و پیشرفتهای شگرفی در ابعاد مختلف گردیده است که بر این اساس، دولتهای مختلف در نظام جمهوری اسلامی با اتخاذ رویکردهای جدیدی از جمله سیاست گذاری برای اشتغال، صیانت از نیروی کار و اشتغال مولد، برنامه های مهمی همچون طرح بنگاههای کوچک اقتصادی زودبازده را به منصه اجرا گذاشته که نتایج درخشانی در پی داشته و نرخ بیکاری را کاهش داده است.

زنان به عنوان نیمی از جمعیت، می توانند نقشی سازنده و تأثیرگذار در روند پیشرفت، تکامل و توسعه ی جامعه داشته باشند، اما همواره در طی قرون متمادی علیرغم فعالیت، در تمامی عرصه های مختلف تولید و بازتولید، مورد کم توجهی قرار گرفته اند. چه در درون چارچوب خانواده به لحاظ حقوقی اقتصادی و چه در سطح جامعه، نسبت به نقش آنان عموماً بی توجهی صورت گرفته است. علاوه بر این زنان، به عنوان یکی از اقشار در معرض آسیب جوامع، بیش از سایرین در معرض تبعیض های اجتماعی و فشارهای روانی قرار می گیرند. در این میان، آن دسته از زنانی که به دلایلی، عهده دار مسئولیت های خانوادگی هستند در معرض آسیب بیشتری قرار دارند، این گروه عموماً، شامل زنان سرپرست خانوار، دختران و زنان خود سرپرست می باشند، که در طی سال های اخیر تعداد آنها به علل متعدد مانند بالا رفتن میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، مرگ و میر، مهاجرت های داخلی و خارجی و غیره روند افزایشی داشته است. بنابراین بخش عمده ای از این زنان با مشکلات اقتصادی همواره دست و پنجه نرم می کنند و این امر، سلامت آنان را به خطر می اندازد (باقری، ۱۳۸۲).

امروزه اشتغال به عنوان یکی از مهمترین مسائل اقتصادی و اجتماعی، اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده است و با توجه به ساختار کنونی جمعیت جامعه، که از نظر جنسی، درصد بالایی از جمعیت فعال کشور را قشر زنان تشکیل می دهند، لزوم برنامه ریزیهای دقیق جهت استفاده بهینه از امکانات و نیروی انسانی زنان بیش از پیش اهمیت یافته است. جولیوس نایره رئیس جمهور تانزانیا در این باره معتقد است که: «انسان نمی تواند روی یک پا مسافتی طولانی بپیماید و یا خیلی کند راه برود پس چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم که تنها نیمی از جمعیت یک کشور توسعه و پیشرفت آنرا تضمین نمایند.» (سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۴).

مروری بر فعالیت های صورت پذیرفته نشان می دهد که مسئله اشتغال زنان یکی از مهمترین مسائلی است که علیرغم اهمیت فوق العاده آن که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا لاقلاً توجه کافی به آن مبذول نگردیده است. اگرچه حضور فعال زنان در جریان روزمره زندگی و نقش پراهمیت آنان در اداره امور خانه، انجام وظیفه خانه داری، تربیت و پرورش کودکان، حقیقتی غیرقابل انکار می باشد لیکن واقعیت امر این است که نقش حساس زنان در تولید و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنوز در جامعه ما پنهان بوده بطوریکه غالباً به چشم نمی آید و یا بهای کمتری به آن داده میشود

(Golmohammadi, 2011).

مطالعات متعدد نشان می دهد که زنان روستایی مولدانی فعال بوده و در فرایند توسعه ملی و محلی و ایجاد ثروت، سرمایه و رفاه سهم مهمی دارند و این امر در خصوص زنان روستایی کشورهای در حال توسعه که در پایداری نظام اقتصادی روستایی نقش اساسی را ایفا می کنند مشهودتر است. با توجه به این دیدگاه، بیشتر صاحب نظران بخش کشاورزی معتقدند که نیازی اساسی برای ارزیابی دوباره کار زنان روستایی در این حوزه احساس می شود تا از آن راه بتوان نسبت به ارزشیابی و بازتاب دقیقتر مشارکت واقعی زنان در توسعه روستایی اقدام کرد (Golmohammadi, 2011).

در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان از فرصت های شغلی کم تری برخوردار بوده و غالباً در بخش غیررسمی، بدون هیچ گونه دست مزدی به کار مشغول می شوند و حتی در بخش اشتغال رسمی نیز دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می نمایند. آنان ساعات طولانی تری از مردان کار می کنند ولی نتیجه ی کارشان محاسبه نمی شود. به طور خلاصه زنان در آمارهای ملی کشورهای در حال توسعه گم شده اند. براساس نظریه کلاسیک ها پایین بودن نرخ مشارکت زنان در بازار کار ناشی از پایین بودن سرمایه ی انسانی و بهره وری آنان در فعالیت های اقتصادی است. هم چنین استدلال می شود که برخی از زنان برای ازدواج، حاملگی و پرورش کودک، شغل خود را ترک می کنند، در نتیجه کارفرمایان تمایل چندانی به سرمایه گذاری در امر افزایش مهارت آن ها ندارند. به همین دلیل زنان اغلب در شغل های ساده که نیاز به آموزش ندارند مشغول فعالیت می شوند و شغل های تخصصی را که نیازمند آموز شهای حرفه ای هستند غالباً مردان اشغال میکنند. نتیجه ی چنین فرآیندی تجربه ک متر زنان نسبت به مردان و فرسایش شدید مهارت های آنهاست (شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۲).

در نظریه های جنسیتی بازار کار، فرض اصلی این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزیی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. نکته ی مهم در این نظریه ها اختصاص کار خانگی به ویژه مراقبت از کودکان به زنان است (شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۲).

در فرهنگ ملی کشور ما، این ذهنیت وجود دارد که اگر شغلی است، مردان در دریافت آن مقدم هستند زیرا آنها نان آور خانه می باشند. فقر مالی زنان سرپرست خانوار و سهم ناچیز آن ها در فعالیت های اقتصادی ناشی از محدودیت اشتغال زنان در سطح جامعه می باشد. چون این گروه از زنان نمونه ای از کل زنان کشور هستند که احتمال قرار گرفتن در وضعیت بی سرپرستی و یا عهده دار سرپرست شدن خانوار برای هر یک از آن ها وجود دارد (شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۲).

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

در صورتی که تعداد زیادی از زنان در صحنه های اجتماعی حضور داشته باشند قطعاً با قوانین و مقررات اجتماعی آشنایی کافی پیدا خواهند کرد. می توانند در صحنه های اقتصادی فعالیت داشته و علاوه بر داشتن استقلال مالی و تأمین زندگی خود به توسعه اقتصادی، اجتماعی، جامعه نیز کمک مؤثری بنمایند.

به مسئله اشتغال زنان نه به عنوان یک مسئله تشریفاتی و روبنایی بلکه به عنوان یک مسئله ریشه ای باید توجه نمود. البته اشتغال فقط کار خارج از خانه نیست هر نوع فعالیت علمی، فکری و بدنی که حتی در منزل انجام شود و به بهره دهی و کسب درآمد منجر گردد، می تواند اهداف فوق را تأمین نماید.

دریافت حقوق و مستمری برای هر انسانی و از جمله زنان، اعتماد خاطر ایجاد نموده و از مصرف بی رویه و انواع چشم و هم چشمی ها جلوگیری می کند (گل محمدی، ۱۳۸۷).

یافته ها نشان می دهد که قوانین و منابع دسترسی زنان در زمینه خدمات اقتصادی اجتماعی کافی نبوده و آنان را آسیب پذیر می سازد. این ساختارها قوانین و منابع شامل: سیستم خانواده، شرایط شغلی زنان و سیستم های حمایتی است.

اجرای برنامه توانمندسازی نه تنها به اشتغال، افزایش سطح درآمد و کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار منتهی می شود بلکه توانایی آنها در حوزه های روان شناختی را نیز به دنبال دارد (یعقوبی، ۱۳۸۴) و (شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۲) و (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶).

طبق محاسباتی که توسط محققین بین المللی به عمل آمده کار زنان در خانه نیز به افزایش درآمد ملی کمک می کند. بنابراین اگر در ازای کار در داخل خانه نیز برای زنان حقوقی قایل شوند این خود می تواند به تحت پوشش قرار گرفتن کلیه زنان در چهارچوب بیمه های اجتماعی کمک مؤثری بنماید و حتی این تصمیم می تواند به افزایش میزان پس انداز و سرمایه گذاری در جامعه کمک کند. افزایش بهره وری نیروی کار زنان از طریق آموزش های مهارت زا، تسهیل دسترسی آن ها به منابع مورد نیاز، زمین، سرمایه، خدمات، تحول عوامل فرهنگی و دگرگونی در باور زنان نسبت به توانایی های خود همگی تضمینی در جهت مشارکت سازند هتر و توزیع عادلان هتر منابع توسعه خواهد بود (گل محمدی، ۱۳۸۷).

مراجع

- ۱) امام خمینی (قدس سره). (۱۳۶۱). "در جستجوی راه امام، کلام امام، دفتر سوم". تهران. امیرکبیر.
- ۲) ازکیله، مصطفی و علی ایمانی. (۱۳۸۴). "نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده". در: مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد روستایی و فقر زدایی بانک کشاورزی، تهران. مرکز تحقیقات اقتصادی.
- ۳) احمدی، نهال، باغبان، ایران و فاتحی زاده، مریم السادات. (۱۳۸۶). "کسب و کار خانگی، راهی به سوی خود اشتغالی زنان و کار آفرینی در خانه". همایش زن در توسعه علوم و فرهنگ تمدن اسلامی، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان. صص ۹-۱۰. وب سایت: WWW.IRANWOMEN.ORG
- ۴) امین پور، مبعاد. (۱۳۸۱). "تجربیات موفق برخی از کشورها در مورد شیوه های توانمندسازی مالی زنان روستایی". در: مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، تهران. وزارت جهاد کشاورزی. دفتر امور زنان روستایی.
- ۵) امینی، مریم. (۱۳۷۸). "بررسی نقش تسهیلات اعتباری در اشتغال و سلامت زنان سرپرست خانوار - مطالعه موردی استان قم". پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- ۶) باستانی، سوسن. (۱۳۸۳). "توسعه برابری و جنسیت، جایگاه ایران در بین کشورهای جهان". فصل نامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۴.
- ۷) بست، جان. (۱۳۷۴). "روشهای تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری". ترجمه: دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر نرگس طالقانی. تهران: انتشارات رشد.
- ۸) باقری، شهلا. (۱۳۸۲). "اشتغال زنان در ایران". تهران: انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ۹) بخشوده، محمد و حبیب الله اسلامی. (۱۳۸۴). "نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد". در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۰) بیگلری شاملو، احمد. (۱۳۸۹). "ساماندهی فعالیت مشاغل خانگی در قالب (تعاونیهای تأمین نیاز مشاغل)". تهران: وزارت تعاون، معاونت تشکیل، توسعه و نظارت تعاونیها. دفتر تعاونیهای توزیعی. موجود بر روی سایت وزارت تعاون: www.taavon.ir
- ۱۱) بی نام. (۱۳۸۲). "نگاهی به انواع آموزشهای کاربردی برای دختران روستایی". ماهنامه جهاد روستا، ویژه جوانان، شماره: ۴۲۷. معاونت ترویج و نظام بهره برداری (وزارت جهاد کشاورزی).
- ۱۲) پرتوی، کاپون. (۱۳۸۰). "نگاهی دوباره به موضوع اشتغال زنان". مجموعه مقالات زنان، توسعه و تعدد نقش ها. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- ۱۳) تقی زاده، محمد. (۱۳۸۶). "بررسی شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر ری". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۱۴) حجازی، یوسف. (۱۳۷۵). "مهندسی فرآیند فعالیتهای آموزشی ترویجی". تهران: وزارت جهادمعاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۱۵) حجازی، یوسف. (۱۳۸۵). "چهار بنیان آموزش کشاورزی و منابع طبیعی - ویژه دانشجویان، مربیان، کارشناسان و مروجان کشاورزی و منابع طبیعی". تهران: پونه (به سفارش دفتر ترویج و مشارکت مردمی سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیز داری کشور).
- ۱۶) حسن زاده، علی و صالح قوبیل. (۱۳۸۴). "چالش های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسه تطبیقی صندوق های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک". اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- ۱۷) خانی، فضیله. (۱۳۸۱). "اعتبارات خرد برای زنان روستایی (ضرورت ها و موانع)". در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی دفتر امور زنان روستایی.
- ۱۸) خزاعی، علی. (۱۳۷۸). "صندوق مشارکت زنان روستایی". اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۱۹) دلاور، علی. (۱۳۸۳). "مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (با تجدید نظر و اضافات)". چاپ سوم. تهران: انتشارات رشد.
- ۲۰) دیهیم، حمید و معصومه وهابی. (۱۳۸۲). "دست یابی زنان به اعتبارات نظام بانکی". پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۱، شماره ۷.
- ۲۱) رسول اف، جلال. (۱۳۸۱). "زنان روستایی و اعتبارات خرد، خودتاکایی". در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی دفتر امور زنان روستایی.
- ۲۲) سعدی، حشمت الله و عباس عرب مازار. (۱۳۸۴). "نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی تجربه بانک کشاورزی". در همایش اعتبارات خرد روستایی و فقر زدایی بانک کشاورزی، تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی.
- ۲۳) سعیدمحمدی، معصومه. (۱۳۷۱). "رابطه میزان آموزش زنان روستایی شهرستان رامسر و مشارکت آنها در توسعه اقتصادی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۲۴) سلمانزاده، سیروس. شهبازی، اسماعیل. کرمی، عزت الله. ملک محمدی، ایرج. (۱۳۸۹). "فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ششم: ترویج و آموزش کشاورزی". تهران: دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۵) شادلو، شیده. (۱۳۸۰). "نقش فرهنگ در متعال ساختن نگرش های جنسیتی برای توانمندسازی زنان با تأکید بر اسناد بین المللی". در مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- ۲۶) شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱). "توسعه و چالشهای زنان ایران". نشر قطره. تهران: چاپ اول.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- ۳۷) شادی طلب ژاله. (۱۳۸۱). "بانک زنان روستایی حصارین، تجربه نو در ایران". در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی. تهران. وزارت جهاد کشاورزی دفتر امور زنان روستایی.
- ۳۸) شادی طلب، ژاله و علیرضا گرای نژاد. (۱۳۸۲). "فقر زنان سرپرست خانوار". فصلنامه ی پژوهش زنان. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دوره ۱، شماره ۲.
- ۳۹) شادی طلب، ژاله و دیگران. (۱۳۸۱). "فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار". مجله رفاه اجتماعی، تهران. دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۱۷.
- ۳۰) شادی طلب، ژاله و سودابه امیری. (۱۳۸۱). "زنان و مسایل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه ایران". مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- ۳۱) شکوری، علی و همکاران. (۱۳۸۶). "مؤلفه های توانمندسازی زنان و عوامل مؤثر بر آنها". پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱.
- ۳۲) طالب، مهادی و زهره نجفی اصل. (۱۳۸۶). "پایامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار" روستا و توسعه، تهران. سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، سال ۱۰، شماره ۳.
- ۳۳) طباطبایی، شهناز و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۶). "بررسی تأثیر آموزش آگاه سازی فردی و شغلی بر عزت نفس زنان سرپرست خانوار کانون مهر به منظور آماده سازی آنان برای ورود به بازار کار". تهران. ماهنامه ی کار و جامعه. شماره ۵۶، دی ماه ۱۳۸۳، مؤسسه ی کار و تأمین اجتماعی.
- ۳۴) علیپور، حمید رضا، مجنون، کبری. (بی تاریخ). "تحلیل اقتصادی صنایع دستی و نقش آن در توسعه اقتصادی استان گیلان". موجود بر روی سایت: www.google.com
- ۳۵) فلیحی، نعمت. (۱۳۸۰). "بررسی نقش زنان در فرآیند توسعه و پیش بینی بازار کار زنان تا پایان برنامه سوم توسعه". مجموعه مقالات زنان، توسعه و تعدد نقش ها. تهران. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- ۳۶) قانع راد، علی. (۱۳۸۴). "شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". موجود بر روی سایت: www.google.com
- ۳۷) فرخی راستایی، زهرا. (۱۳۸۲). "چگونگی توانمندسازی زنان برای مشارکت در امور توسعه با تأکید بر شهر اصفهان". پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز اطلاعات و اسناد علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۳۸) کابی، محمود. (۱۳۸۲). "توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه". پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷.
- ۳۹) کابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرخی راستی، زهرا. (۱۳۸۴). "پیش شرط ها و موانع توانمندسازی زنان: مطالعه موردی زنان شهر اصفهان". مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص: ۲۹-۲۴.
- ۴۰) کیمیائی، سیدعلی. (۱۳۸۷). "بررسی نقش آموزشهای غیررسمی در توانمندسازی آموزشی روانی زنان سرپرست خانوار کمیته امداد امام خمینی (ره)". خلاصه مقالات سمینار آموزش شغلی غیررسمی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴۱) کیمیائی، سیدعلی. (۱۳۸۶). "شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- ۴۲) کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۵). "تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان". نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱.
- ۴۳) گروه مشاوران یونسکو. (۱۳۷۰). فرایند برنامه ریزی آموزشی، چاپ دوم، ترجمه فریدممشایخ، تهران. انتشارات مدرسه.
- ۴۴) گل محمدی، فرهود. (۱۳۸۷). "ارزیابی برنامه های آموزشی کشاورزی انجام شده در ارتباط با زنان روستایی استان خراسان جنوبی در برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۴ به منظور بهبود برنامه ریزی در برنامه چهارم". طرح پژوهشی خاتمه یافته. سازمان جهاد کشاورزی - استان خراسان جنوبی - مرکز تحقیقات کشاورزی بیرجند. ۱۳۸۷-۱۳۸۵.
- ۴۵) گل محمدی، فرهود. (۱۳۸۶). "فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در اشتغالی و افزایش بهره وری زنان (با تأکید بر زنان روستایی)". فصلنامه زنان - مطالعات فرهنگی - دفاعی. فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان سپاه - دانشگاه امام حسین (ع) تهران - سال سوم - شماره ۱۰ و ۱۱ - پاییز و زمستان ۱۳۸۶ - ۹۳-۱۱۸.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- ۴۶) گل محمدی، فرهود. (۱۳۹۰). "گرامین بانک بنگلادش - الگویی مناسب در بهره برداری بهینه از اعتبارات خرد در راستای فقر زدایی و توانمند سازی زنان روستایی سرپرست خانوار در ایران". مقاله ارائه شده در: همایش ملی زنان سرپرست خانوار - پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی و کمیته امداد امام خمینی (ره) اول آذر ماه ۱۳۹۰. چاپ در CD چکیده مقاله های همایش: صفحه: ۴۴.
- ۴۷) گل محمدی، فرهود. (۱۳۸۹). " توسعه صنایع دستی و فناوری متوسط با هدف گسترش توریسم و اشتغال پایدار روستایی". فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۹ (۱۳۱): ۷۳-۹۴.
- ۴۸) گل محمدی، فرهود. رضوی، سید حمید. معتمد، محمد کریم. رضوانی، فریدون. (۱۳۹۰). "نگاهی بر اهمیت و کارکردهای شرکت های تعاونی تولید و تعاونی زنان روستایی در اقتصاد و اشتغال خراسان جنوبی". مقاله ارائه شده در: همایش ملی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴۹) گل محمدی، فرهود. (۱۳۸۴). "توانمند سازی زنان روستایی با اتکاء بر فرایند مکتب آموزشی ترویج در نظامهای تولیدی روستاهای ایران". مقاله ارائه شده در: همایش سراسری سازمان جوانان خانه کشاورز. ۵ بهمن ماه ۱۳۸۴. دانشگاه تربیت مدرس تهران. سازمان جوانان خانه کشاورز. چاپ در کتاب چکیده مقاله های همایش: صفحات: ۴۰ و ۴۱.
- ۵۰) لاگه، سارا. (۱۳۸۰). "معیارهایی برای توانسازای زنان و نقش زنان در توسعه". تهران. روشنگران.
- ۵۱) لهسایی زاده، ع. (۱۳۷۹). "جامعه شناسی توسعه روستایی". شیراز. نشر زر.
- ۵۲) محمدی، فریرز. (۱۳۸۷). "عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان کرمانشاه سال ۱۳۸۶". پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۵۳) مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره). (۱۳۹۰). "مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی توانمند سازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره)". تهران. مرکز آموزش و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره).
- ۵۴) مرکز پژوهش و اسناد وزارت کار و اموراجتماعی و معاونت پژوهشی. (۱۳۸۷). "رویکردها و دستاوردها با محوریت اشتغالزایی". وزارت کار و امور اجتماعی. گزارش جمهور/ضمیمه نامه تخصصی دولت اسلامی / شماره ۴۴ / ششم مرداد ۱۳۸۷.
- ۵۵) مقدم، والتین. (بی تاریخ). "اشتغال زنان در ایران امروز". ترجمه و تلخیص: ف.م. هاشمی. موجود بر روی سایت: www.google.com

56) Creswell, J.W. (1994). Research Design- Qualitative & Quantitative Approach. SAGE Publications. London. England.

57) Golmohammadi, F. (2011). Applying (ICTs) for Entrepreneurship and Empowering of Rural Women. Journal of Information Technology in Agriculture (JITAg). Vol 4, No 1 (2011).

extension education programs of home employment for rural women as an solution for empowerment of them and accessing to sustainable development goals in Iran

Farhood Golmohammadi^{1,*}, Mehdi Karbaschi²,

¹ *Assistant professor in: Islamic Azad University_ Birjand Branch _ Birjand, IRAN.*

² *(M.S.) student in: Islamic Azad University_ Birjand Branch_ Birjand, IRAN.*

E-MAIL: FARHOODGOL@YAHOO.COM & FARHOOD.GOL@GMAIL.COM
& GOLMOHAMMADI@IAUBIR.AC.IR

Abstract

It has been experienced that the rural women has to depend upon multiple employment / skills to earn their livelihood. Nowadays equal access to participation and decision making of women in social, political and economic life of the Iranian nation is a focal point in all of the development plans and projects. This includes equal access of women to healthcare, quality education at all levels, career and vocational guidance, employment, equal remuneration, occupational health and safety, social security and public office etc. also strengthening legal systems aimed at elimination of all forms of discrimination against women and changing societal attitudes and community practices by active participation and involvement of both men and women. This also include mainstreaming a gender perspective in the development process, elimination of discrimination and all forms of violence against women and the girl child; and building and strengthening partnerships with civil society, particularly women's organizations. Since women comprise the majority of the population below the poverty line and are very often in situations of extreme poverty, given the harsh realities of intra-household and social discrimination, macro economic policies and poverty eradication programs will specifically address the needs and problems of such women. There will be improved implementation of programs which are already women oriented with special targets for women. Steps will be taken for mobilization of poor women and convergence of services, by offering them a range of economic and social options, along with necessary support measures to enhance their capabilities. In order to enhance women's access to credit for consumption and production, the establishment of new, and strengthening of existing micro-credit mechanisms and micro-finance institution will be undertaken so that the outreach of credit is enhanced. Other supportive measures would be taken to ensure adequate flow of credit through extant financial institutions and banks, so that all women below poverty line have easy access to credit. In view of the critical role of women in the agriculture and allied sectors, as producers, concentrated efforts will be made to ensure that benefits of training, extension and various programs will reach them in proportion to their numbers. In this article, authors

studying and assessing extension education programs on development home employment of rural women as an solution for empowerment of them in Iran.

Key Words: Extension Education, Empowerment, Programs, Home Employment, Rural women, Iran.